

هشدار امام!

(... دعوای ما دعوی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...)

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

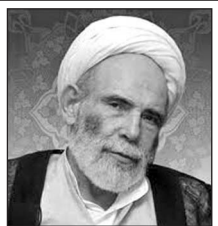


سپاسی. انجمن علمی فرهنگی

سال سی و سوم / شماره ۲۰
شماره مسلسل ۱۴۴۳
نیمه دوم دی ماه ۱۳۹۱

۳۰۰ تومان

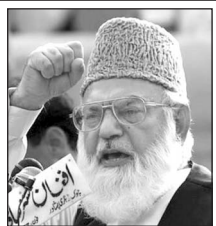
آیت الله تهرانی؛ یار
گمنام امام و انقلاب



حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد

صفحه ۲

«قاضی حسین
احمد»؛ از
«جماعت اسلامی» تا
وحدت اسلامی



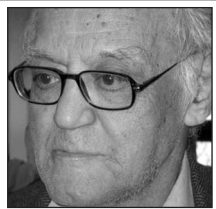
صفحه ۱۰

اشعریون و واقعه
عاشورا از نگاه
آیت الله محقق داماد



صفحه ۵

علامه شهیدی توانست
زیبایی های بلاغی و
اوزان نهج البلاغه را به
فارسی برگرداند



صفحه ۱۲

آیت الله هادوی:
تخریب شخصیت
افراد پدیده رایج
جامعه ماست



صفحه ۲

نگاهی به چشم اندازهای معنوی
اسلام ایرانی
ابعاد و آفاق
معنوی تشیع



صفحه ۴

گزارش مراسم تودیع حجت الاسلام
والمسلمین رسول جعفریان رئیس سابق
کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس



کتابخانه مجلس در آینه آمار و ارقام

کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در حال حاضر ۵۳۳ هزار کتاب چاپی، ۲۵ هزار کتاب خطی، بیش از ۴ هزار مجلد نشریه ادواری و میلیون ها برگ سند در آن نگهداری می شود، نهادی با سابقه بیش از یکصد سال است که بخش مهمی از میراث ماندگار تمدن کهنسال و بزرگ ایران اسلامی را بر دوش می کشد.

این کتابخانه بر اساس رسالت تاریخی که بر عهده اش نهاده شده، یعنی پشتیبانی اطلاعاتی از فرآیند قانونگذاری و حمایت از پژوهش در حوزه علوم انسانی، همواره چشم به راه پویندگانی از قافله علم و آگاهی بوده است. این بنای آگاهی به اراده دوستدارانی از خبرگان فرهنگ و ادب در جمع مجلسیان منتخب مردم در اوائل تأسیس حکومت مشروطه، همزمان با استقرار مجلس و اراده حاکمیت قانون در ایران شکل گرفت و این گونه، اولین کتابخانه پارلمانی آسیا با اندکی مسامحه عمری به قدمت تاریخ تأسیس مجلس قانونگذاری (۱۲۸۵ ش) در این سرزمین دارد.

برای مدیریت کتابخانه، در این دوره چهار ساله (۱۳۹۱ - ۱۳۸۷) مهمترین مسأله به روز شدن کتابخانه، به ویژه کارهای مربوط به حوزه کتاب بوده است. این تلاش، به طور عمده در جهت خرید کتاب، فهرست نویسی کتابهای خطی و چاپی است، به طوری که در طول چهار سال گذشته قریب ۱۲ هزار نسخه خطی فهرست و در بیش از سی مجلد به چاپ رسیده است. در بخش خرید کتاب، این کتابخانه که از آغاز تأسیس تا سال ۸۷ تنها ۲۵۰ هزار کتاب داشت، اکنون بیش از ۵۰۰ هزار مجلد کتاب دارد. در بخش فهرست نویسی اسناد، میلیونها برگ سند که از دوران پیش از انقلاب مانده بود (و کمتر از پنج درصد آن فهرست شده بود) فهرست نویسی شد و اکنون به طور کامل برای این اسناد کاربرگه تهیه و فهرست شده و مورد استفاده مراجعین است.

موزه مجلس نیز که از سال ۱۳۸۲ تعطیل شده و بهترین نقاشی ها و آثار در زیرزمین ها مانده بود، با تلاش مدیریت کتابخانه و همکاری مجلس، در سال ۱۳۸۸ افتتاح شد و اکنون روزانه صدها نفر از آن بازدید می کنند. تأسیس کتابخانه های تخصصی، از جمله کتابخانه انقلاب اسلامی با بیش از ۱۱۰۰۰ جلد کتاب، کتابخانه تخصصی افغانستان با بیش از ۲۰۰۰ جلد و کتابخانه مطالعات زنان نیز با ۲۰۰۰ جلد، از کارهایی است که در چهار سال گذشته انجام شده است.

چاپ بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب در طول این چهار سال در حوزه میراث اسلامی ایران و شیعه یکی از بهترین اقدامات فرهنگی بوده که توسط بخش پژوهش کتابخانه مجلس انجام شده است. انتشار چهار مجله با عناوین «نیام بهارستان»، «مطبوعات بهارستان»، «نامه بهارستان» و اسناد بهارستان، برگزاری بیش از ده نشست از پژوهشگران در حوزه تاریخ چاپ، تاریخ مجلس، رونمایی از آثار برجسته و... از دیگر فعالیت های این کتابخانه است.

ادامه در صفحه ۶

جرج جرداق اندیشمند مسیحی: شیعه یعنی «اخلاق»

دارد اما سایر مذاهب اسلامی اینطور نیستند برای مثال، اقتصاد، سایر مذاهب اسلام و حتی سایر ادیان پاسخی به اقتصاد نوین ندارند ولی مذهب شیعه طوری به سوالات اقتصادی پاسخ داده که بنده در هنگام مطالعه لذت می برم؛ البته این نکته به عنوان مثال بود.

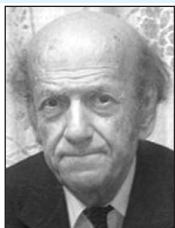
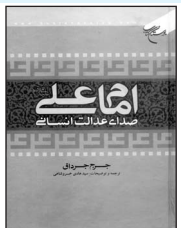
شما بعد از این همه مطالعه و پژوهش چرا مسلمان و شیعه نشده اید؟

جرداق: من بعد از سال ها تحقیق، شیعه را در یک کلمه یافتم و آن هم اخلاق بود. بنده شیعه هستم چرا که اخلاق پسندیده ای دارم.

جامعه ی شیعی را چگونه می بینید؟

جرداق: سوال شما بسیار مبسوط است. متأسفانه جامعه ی شیعه به سمت انشقاق به پیش می رود. جامعه ی شیعه ی کنونی تفاوت بسیاری با مذهب شیعه دارد. مکتبی که برای تمامی جامعه ی بشری برنامه دارد، متأسفانه در برنامه ی خود مانده است. من معتقدم که اگر یاری خداوند نبود این مذهب به کلی از بین می رفت زیرا دشمنان کنونی بشریت به شدت بر این مذهب می تازند. اگر مذهب شیعه را بررسی کنیم خواهیم دید که در طول تاریخ از زمان علی بن ابی طالب دشمنان به این مکتب رحمی نداشتند. ریشه ی مخالف این مذهب ستمگران تاریخ هستند. هم اکنون مشاهده می کنیم، چرا همه ی ستمگران علیه سوریه بسیج شده اند؟ چرا اسرائیل علیه حزب الله فعالیت می کند؟ چرا تمام عرب ها بر شیعیان می تازند؟

ادامه در صفحه ۹



جرداق: پدر من از کودکی علی بن ابی طالب را دوست داشت و می گفت، اگر علی بن ابی طالب پیامبر بود من از دین او پیروی می کردم. مادرم هم شخصیت علی بن ابی طالب را ستایش می کرد و می گفت، علی انتقام مسیح را از یهود در خیبر گرفت. در ایام نوجوانی به سراغ این شخصیت بزرگ رفتم و به مطالعه درباره شخصیت علی بن ابی طالب پرداختم؛ بله، تمام خوبی ها را در امام شما یافتم، پیشوای شما نمونه ی کامل از یک انسان نمونه است.

هر روز حداقل یک ساعت مطالعه را به پیشوای شما اختصاص دادم و به خودم گفتم شخصی با این کمالات ویژه صاحب چه مکتب و چه فکری است؟ بعد از پنج سال مطالعه مکتب شما را بهترین مکتب دانستم. شما مکتب شیعه را چگونه می بینید؟
جرداق: مذهب شیعه بهترین مذهب است؛ چرا که این مذهب برای تمامی امور پاسخی دارد. نکته لازم به ذکر این است که پاسخ به تمامی امور از لحاظ عقلی و علمی ثابت شده است. الان خود شما هر سوالی را که مطرح می کنید مذهبتان برای آن پاسخ

جرج جرداق، نویسنده، شاعر و نمایشنامه نویس مسیحی لبنانی است. او سال ۱۹۲۶ میلادی در جدید مرجعیون واقع در جنوب لبنان در یک خانواده مسیحی چشم به جهان گشود. پدر و مادرش منتسب به یک قبیله یمنی بادیه نشین بودند و نسبت به مسایل فرهنگی، علمی و ادبی و آموزش اهتمام خاصی داشتند. آنان به حضرت علی (ع) بسیار ارادت داشتند و بر سردر خانه خود، سنگی را نصب کرده بودند که روی آن جمله لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار حک شده بود. جرج جرداق در وصف حضرت علی (ع) می گوید: ای روزگار کاش می توانستی همه قدرت هایت را، و ای طبیعت، کاش می توانستی همه استعداد هایت را در خلق یک انسان بزرگ، نبوغ بزرگ و قهرمان بزرگ جمع می کردی و یک بار دیگر به جهان ما یک علی دیگر می دادی. او با نوشتن کتابی درباره امام علی (ع) بین شیعیان شناخته شد. کتاب «آلام علی صوت العدالة الانسانیة» مشهورترین کتاب اوست که در ۵ جلد با عناوین «علی و حقوق بشر»، «علی و انقلاب فرانسه»، «علی و سقراط»، «علی و دوران زندگانی او» و «علی و قومیت عربی» توسط استاد سید هادی خسروشاهی به زبان فارسی ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است.

شفقتنا گفت وگویی با جرج جرداق انجام داده که در ادامه می خوانید:

دکتر! چگونه با مکتب شیعه و شخصیت امیر مومنان (ع) آشنا شدید؟

آیت الله هادوی:

تخریب شخصیت افراد پدیده

رایج جامعه ماست

آیت الله مهدی هادوی تهرانی رئیس مؤسسه رواق حکمت در گفتگو با مهر در مورد جایگاه تقوا در اسلام گفت: خداوند تبارک و تعالی معیار برتری انسانها را نسبت به یکدیگر تقوا مطرح کرده است آن اگر مکم عندالله اتفاقاً.

وی تأکید کرد: زندگی انسان دو بعد دارد یک بعد فردی است که در آن ارتباطی با دیگران ندارد و رفتارهایش در محدوده شخصی خودش است و یک بعد اجتماعی دارد که با دیگر انسانها ارتباط دارد. از آنجایی که مفاهیم دینی و اسلامی محدود به بعد فردی نیست و در بعد فردی دستوراتی داریم که باید ملتزم به آن باشیم، در بعد اجتماعی هم دین برای ما دستوراتی دارد که رفتارهای ما را در حوزه عمل اجتماعی سامان می دهد و التزام به آن دستورات به معنای تقوای اجتماعی است.

آیت الله هادوی تهرانی افزود: بخشی از این دستورات را همه ما با آن آشنا هستیم؛ وقتی مثلاً از صداقت صحبت می کنیم، صداقت یک امر اجتماعی است چون در ارتباط با دیگران این بحث مطرح می شود که آنچه می گوئیم راست باشد. اگر همین مفهوم صداقت را در سطح اجتماعی ببینیم و بتوانیم صداقت را در جامعه نهادینه کنیم به صورتی که افراد جامعه به صورت عادی راستگو باشند، در نتیجه اعتماد اجتماعی ایجاد می شود.

وی پرهیز از نگاه در جامعه را از وجوه تقوای اجتماعی خواند و افزود: همانطور که تقوا اقتضای می کند نسبت به واجبات ملتزم باشیم، اقتضای می کند که نسبت به محرمات هم اجتناب کنیم. مثلاً از سرقت و یا تصرف مال دیگران بدون اذن آنها اجتناب کنیم که البته این مال گاهی فردی و گاهی اموال عمومی است که تصرف در این مال گناهش بزرگتر از تصرف اموال شخصی است. آقای هادوی تهرانی یادآور شد: اگر ما در جامعه از این رذیله اخلاقی اجتناب کنیم آنگاه این جامعه، جامعه ای خواهد بود با امنیت و از طرفی اعتماد عمومی نیز تأمین می شود که نتیجه این امنیت، ایجاد فضای مناسب برای رشد فضایل اخلاقی و پرورش ارزشهای انسانی خواهد بود.

رئیس مؤسسه رواق حکمت، بی تقوایی زبانی را شایع ترین بی تقوایی در جامعه امروز خواند و گفت: در روایات گفته شده است که زبان هر روز صبح از اعضا و جوارح سؤال می کند که چگونه صبح کردید و آنها پاسخ می دهند: به خیر اگر تو بگذاری! زبان مهمترین ابزاری است که ما با آن گرفتار معصیت می شویم به همین دلیل شایعترین بی تقوایی در بی تقوایی زبانی است.

وی افزود: بی تقوایی در هر سطحی باشد زیان بار است نمی شود امری که شرع منع کرده اثر مثبت داشته باشد اما برخی از مسائل اهمیت بیشتری دارد. مثلاً یکی از مسائلی که در اسلام به شدت بر روی آن تأکید شده است "حفظ حرمت اشخاص" است، شخصیت افراد به اندازه شخص شان مهم است. همانطور که کشتن یک فرد جرم بسیار بزرگ است، از بین بردن شخصیت فردی هم جرم بزرگی است.

آیت الله هادوی تهرانی تأکید کرد: ما در جامعه مان قتل را به عنوان یک بلای شایع نمی بینیم یعنی اینطور نیست که بسیاری از افراد مرتکب قتل شوند، بله به ندرت ممکن است چنین اتفاقی بیفتد اما متأسفانه تخریب شخصیت را گسترده می بینیم. در حالی که حاضر نیستیم هرگز یک شخص بی گناه را بکشیم اما به راحتی و بی توجه به موازین اخلاقی و دینی، شخصیت افراد را از بین می بریم و مهمترین افرادی که در این زمینه مسئولیت دارند، مسئولان کشور و اصحاب رسانه هستند.

آیت الله تهرانی؛ یار گمنام امام و انقلاب

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد



ارائه این مباحث و تدوین این مباحث فوق العاده است و هم در مقام عمل، یعنی آنچه که به عنوان دوره اخلاق ایشان و همین طور مباحث سلوکی و عرفانی ایشان که امروز در دسترس هست و ان شاء الله تکمیل می شود و به عنوان وظیفه سعی می کنیم همه را تنظیم و عرضه کنیم.

استاد بیش از این در مقام عمل و عینیت به این امر اهتمام کرد یعنی آثار تکوینی ایشان بیش از آثار کتبی است؛ هر چند احیاناً ده ها جلد اثر فقهی، اصولی، اخلاقی، عرفانی تدوین و عرضه شود به اندازه ای که در عمل و عینیت ایشان بر روی جامعه و طبقات مختلف تحصیل کرده خصوصاً از حوزه و دانشگاه تأثیر گذاشتند و شاگردان بی نام و نشان را تربیت کردند. اگر می شد بررسی می کردید که از مجموعه کسانی که در عرصه جهاد در مسیر امام (س) وارد شدند از جوان ها، دانشگاهیان، طلاب و کسانی که در مسیر جهاد فی سبیل الله و در راستای آرمان های حضرت امام (س) و استاد ایشان به شهادت رسیدند می شود دید که جمع کثیری از مجاهدان مسیر امام (س) و شهدایی که در این مسیر طی انقلاب و جنگ به شهادت رسیدند تربیت یافتگان مجلس انس و معرفت ایشان هستند.

آنچه که به صورت مکتوب و احیاناً به صورت صوتی از آن بزرگوار در حوزه های معرفتی باقی مانده بخشی از آثار معنوی مینوی ایشان قلمداد می شود باید آثار و تأثیرات آن بزرگوار را در وجود و نفوس کسانی که طی این چندین دهه هزاران نفری که طی این چندین دهه از محضر معنوی ایشان بهره مند شدند جستجو کرد و آن بسی وسیع تر و گسترده تر و ماندگارتر است، چرا که نسلی که ایشان در مجالس معرفتی و سلوکی ایشان تربیت کرد این نسل، نسل بعدی را تربیت خواهد کرد. این اثر معنوی و مینوی عملی و عینی ایشان در وجود افراد و نفوس آحادی که به محضر ایشان ارادت داشتند، دوره به دوره و نسل به نسل حفظ خواهد شد که قابل برآورد و مقایسه نیست.

درباره نقش مبارزاتی آیت الله تهرانی باید گفت: ایشان که از شاگردان خاص حضرت امام بودند و از بدو نهضت ایشان در کنار امام حضور داشتند و از خواص شاگردان ایشان بودند که در خواص مربوط به امور نهضت و همچنین در قلمرو علم و عرصه علم ایشان حضور و نقش داشت و فعال بود. لهذا از همان سالهای ۴۰ و ۴۱ که رسماً نهضت حضرت امام آغاز شد، ایشان کنار دست امام در بیت امام و در مجالس و برنامه ها و برقراری ارتباطات و در پشتیبانی از آرمان ها و نهضت ایشان بود به همین جهت می توان گفت که ایشان در زمره بانیان و پی گزاران هرچند نه چندان با نام و نشان انقلاب در کنار حضرت امام قلمداد می شد.

زمانی که امام در قم بودند و بعد تبعید شدند ایشان پیگیر آرمان های حضرت امام بود و مدرسه ای را در قم با همراهی دیگر شاگردان حضرت امام تأسیس کرده بود و کتابخانه ای را به وجود آورده بود با حمایت حضرت امام و تأمین آن از سوی ایشان می شد و سرانجام آن زمان ساواک ریخت و این کتابخانه را از بین برد و جمع کرد و مدرسه عملاً تعطیل شد و طلاب پراکنده شدند و بعد هم که حضرت امام به نجف رفتند و ایشان هم مدتی به نجف مشرف شد و در طیف یاران حضرت امام حضور پیدا می کرد و در کنار محضر ایشان کانون هدایت و جهت دهی به جوانان و فضلا و طلاب بود و در واقع منزل و محضر ایشان و محلی که ایشان به مثابه دفتر کاری و محل برنامه های ایشان قلمداد می شد محضر آمد و شد علما و مبارزین به حساب می آمد و

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی

ارتحال آیت الله مجتبی تهرانی

در پی ارتحال آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی، درگذشت آن عالم عامل ربانی و معلم اخلاق را به بازماندگان بیت شریف ایشان تسلیت گفتند.

متن پیام حضرت آیت الله خامنه ای به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف و تأثر فراوان، خبر درگذشت عالم عامل ربانی، مرحوم آیت الله آقای حاج آقا مجتبی تهرانی رحمت الله علیه را دریافت کردم. این حادثه ناگوار، ضایعه ای برای حوزه علمی و روحانیت و جامعه مذهبی تهران و به ویژه ارادتمندان و شاگردان ایشان و جوانانی است که از مجالس پر فیض و درس های سازنده ای این معلم اخلاق بهره می بردند.

اینجانب تسلیت صمیمانه ای خود را به آن بیت شریف و بازماندگان، بویژه اخوی بزرگوار و نیز به همسر مکرم و آقازادگان ارجمند و دیگر بازماندگان این بیت شریف تقدیم داشته، علو درجات آن فقید سعید را از خداوند متعال مسألت می نمایم.

سید علی خامنه ای

۱۳/دی/ماه/۱۳۹۱

شخصیت ها و روحانیون و علمایی که در واقع مبارزات را در تهران هدایت می کرد به نحوی از جمله به محضر ایشان وصل شدند و در ارتباط با ایشان بودند.

ایشان از بدو نهضت در کنار حضرت امام بود و در طول نهضت هم نقش آفرین بود، اما ایشان هرگز مایل نبود که نام ایشان مطرح شود و پس از پیروزی انقلاب هم همچنان در مسیر حضرت امام (ره) و حامی آرمانهای ایشان بود، اما هیچ گاه آشکارا خودنمایی نکرد و هرگز سمتی نپذیرفت. سمتها برای ایشان بی ارزش بود هیچ شوق سمت و جایگاه در مسائل دنیوی نداشت و موضوع مرجعیت ایشان را هم شاگردان ایشان از جمله حقیر طلبه و بسیاری از بزرگان با اصرار ایشان را در معرض قرار می دادند استتکاف می کردند با این که مرجعیت یک مقام معنوی و معرفتی و هدایتی است کسی که صلاحیت دارد و دارای شائبه است خود به خود شبیه به امامت است.

هرچند که به هر حال ذاتاً این مرتبت و این موقعیت جنبه اعتباری دارد اما شبیه به مقام امامت است، گویی بایی در امامت و تکوین و حقیقت دارد و به عالم حقایق وصل است و اگر کسی استتکاف هم بکند مردم مراجعه می کنند و اگر آرای او منعکس باشد و بتوانند به آرای او دست پیدا کنند می توانند از آرای او تقلید کنند. به رغم این که مرجعیت یک حالت تعینی دارد نه تعیینی و خود به خود اتفاق می افتد اما ایشان به شدت استتکاف داشت از این که این شرایط فراهم شود و این موقعیت پیش بیاید.

استاد به شدت از مقام، موقعیت های اجتماعی، سیاسی، دنیوی پرهیز و اجتناب داشت، به همین جهت به رغم اینکه موقعیت ها و مناصب بسیاری را به محضر ایشان پیشنهاد داده بودند و شاید ایشان به نحوی هم می دانست ممکن است این مناصب مورد نظر حضرت امام (ره) هم باشد و دست کم ایشان رضا دارد بر اینکه این منصب را بپذیرد، اما هرگز تن در نداد و به زندگی طلبگی خود ملتزم و پایبند بود به درس و بحث طلبگی و تربیت نفوس و مباحث اخلاقی و پشتیبانی از آرمانهای حضرت امام (ره) بی آنکه نامی از ایشان مطرح باشد و ایشان جایگاهی را احراز کنند، لهذا می توان گفت ایشان از وجوه شاگردان حضرت امام (ره) و از پیش آهنگان و پیش قروالان پی گیری آرمانهای مبارزاتی حضرت امام (ره) قلمداد می شد.

جامعه مدرسین به تقویت فقاقت و اخلاق بیشتر توجه کند



یک مرجع تقلید بر توجه بیشتر جامعه مدرسین به تقویت فقاقت و اخلاق در حوزه های علمیه تاکید کرد.

مهر: حضرت آیت الله سید موسی شبیری زنجانی در دیدار شورای سیاست گذاری همایش نیم قرن حضور که به مناسبت پاسداشت پنجاه سال تلاش

علمی، فرهنگی و سیاسی جامعه مدرسین برگزار می شود؛ اظهار داشت: افراد بسیاری بودند که در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حضور داشتند و منشأ خدمات فراوانی برای اسلام، انقلاب و حوزه علمیه بودند.

وی با تاکید بر توجه ویژه حوزه های علمیه به مسئله فقه و اصول افزود: مباحث علمی در حوزه و بین طلاب باید تقویت شود و شما باید به این امر بیش از گذشته عنایت داشته و برنامه ریزی کنید.

مرجع تقلید شبیران جهان ادامه داد: برگزاری جلسات اخلاق و موعظه برای روحانیون و طلاب ضروری است که این مسئله در گذشته نیز وجود داشته و دروس اخلاق امام خمینی (ره) در هر هفته موجب تقویت بُعد معنوی طلاب می شد. آیت الله شبیری زنجانی، تقویت فقه و اصول

در کنار اخلاق و تهذیب نفس را دو اصل مهم در حوزه برشمرد و اظهار داشت: مسئولان و مدیران حوزه باید در راستای شناسائی نخبگان حوزوی اهتمام ویژه ای داشته و آنها را مورد حمایت قرار دهند.

در ابتدای این دیدار مدیر حوزه های علمیه سراسر کشور و رئیس شورای سیاست گذاری همایش نیم قرن حضور در سخنانی با ارائه گزارشی از چگونگی برگزاری این همایش اظهار داشت: از ابتدای تاسیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تا کنون ۵۰ سال گذشته که طی این سالها شخصیت هایی که در جامعه مدرسین حضور داشتند خدمات فراوانی برای اسلام و انقلاب انجام داده اند.

آیت الله سیدهاشم حسینی بوشهری نیز در این دیدار گفت: برگزاری همایش نیم قرن حضور، بهانه ای خواهد بود که تا از تلاش های روحانیت در عرصه های مختلف، قبل و بعد از انقلاب تجلیل به عمل آید.

وی گفت: این همایش با حضور علما و شخصیت های برجسته حوزوی از سراسر کشور در دو روز ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه سال جاری در شهر

حجرت الاسلام و المسلمین سید محسن صالح با اشاره به عنوان فراخوان مقالات این همایش اظهار داشت: تا کنون ۶۵ عنوان مقاله در موضوعات مختلف به دبیرخانه همایش ارسال شده و پایان نامه های مرتبط با موضوعات فراخوان مقاله در حال جمع آوری است.

انتقاد رییس فرهنگستان علوم اسلامی از ترویج سبک زندگی غربی در رسانه ملی



این که انقلاب صنعتی همه فرآیند زندگی غربی ها را تغییر داد عنوان داشت: غرب در جهت دموکراسی سازی و انتقال فرهنگ و اندیشه اومانیستی تلاش می کند و اگر برخی از علما از آغاز به حق با ورود مظاهر و حتی تکنولوژی غرب به کشور مخالفت کردند، به دلیل این بود که

می دانستند الگوی غربی می خواهد به سبک زندگی مردم و بعد به ساختار و نظام اجتماعی تبدیل بشود. وی با بیان این که ما با یک تمدن پیچیده و همه جانبه روبرو هستیم که چندلایه دارد عنوان داشت: لایه رومی فرهنگ غرب شامل مسائلی مانند مجلس، حق رأی، وجود فروشگاه های زنجیره ای و صنعت های پیشرفته می شود که برخی فریب همین ظواهر را می خورند.

حجرت الاسلام میرباقری علم را لایه دیگر فرهنگ غرب دانست و گفت: علم موجود در غرب، دانش سکولار ضدمعارف و درگیر با وحی است که علوم سیاسی و اجتماعی آنها را شامل می شود و عده ای تسلیم این لایه از فرهنگ غرب می شوند.

رییس فرهنگستان علوم اسلامی قم آیدئولوژی اومانیستی را لایه دیگر فرهنگ غرب عنوان کرد و اظهار داشت: این آیدئولوژی شامل خودمحوری، بریدن از آسمان و وحی است که سردمداران دوره اصلاحات و روشن فکرانی که خیلی عمیق فکر می کنند اسیر این لایه هستند.

وی در تبیین اومانیسم عنوان داشت: اومانیسم به معنای محترم بودن انسان نیست بلکه می گوید هیچ حقی نیست مگر این که به انسان برمی گردد برای مثال در غرب مسجد، کلیسا و میکده را در کنار هم می سازند به این معنا که انسان هر کدام را انتخاب کند حق است.

حجرت الاسلام والمسلمین میرباقری با بیان این که اومانیسم می گوید انسان از همه قدسیات آزاد است ابراز داشت: آیدئولوژی غرب این است که انسان حتی تاجایی که به بالاترین مقدسات توهین کند آزاد است و نقطه اوج این آیدئولوژی آنجاست که همه

مظاهر دین مانند اصل اعتقاد به خدا، نماز، مسجد و کلیسا تحقیر شده و گفتند دین زاییده جهل بشر است. رییس فرهنگستان علوم اسلامی قم گفت: ما رفاه، امنیت و عدالت را لازم می دانیم اما نه آن طور که غرب می گوید و در هیچ کدام از این مفاهیم با آنها هماهنگ نیستیم.

آیت الله استادی:

به اندازه کافی دشمن داریم؛

سیاسیون باهم برادر باشند

آیت الله رضا استادی در مراسم هفتمین روز ارتحال آیت الله تهرانی اخلاق و علم را نیاز اصلی امروز حوزه های علمیه دانست و بیان داشت: صاحبان مکتب تشیع از طلاب بیش از این انتظار دارند و روحانی باید افزون بر عالم بودن، دیانت مردم را حفظ و محکم کند.

وی با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) درباره ویژگی های عالمان دین، بیان داشت: انسان باید به خدمت عالمی برود که اگر تکبر دارد، تواضع آن عالم در او اثر بگذارد و وی را متواضع کند.

آیت الله استادی با بیان این که عمل بسیار بیشتر از حرف در انسان ها اثر می گذارد، اظهار داشت: آیت الله تهرانی با وجود دارا بودن مقامات والای علمی، متواضع بود و ما اگر بخواهیم در جامعه مؤثر باشیم باید به سیره علمایی مانند آیت الله تهرانی عمل کنیم.

وی ابراز داشت: روزی که امام خمینی (ره) نهضت انقلابی خود را شروع کرد، همه ایشان را به پاکی می شناختند و به همین دلیل حرف ایشان هم در مردم اثر می گذاشت.

وی سبک زندگی را یکی از مسائل دارای اولویت ارزیابی کرد و گفت: یک جلد از کتاب رسائل و قسمت مهمی از بحارالانوار و اصول کافی درباره اخلاق است و همچنین سبک زندگی اسلامی باید برای مردم تبیین بشود.

آیت الله استادی با بیان این که اگر ما راه بزرگان را ادامه بدهیم به سود خود و جامعه است، تاکید کرد: طلاب باید برای باسواد شدن و مهذب بودن تلاش کرده و روز به روز ایمان خود را تقویت کنند. وی تصریح کرد: سیاسیون کشور باید دعوای خود را به خیرخواهی تبدیل کنند و با هم برادر باشند زیرا جمهوری اسلامی به اندازه کافی در خارج از کشور دشمن دارد.

۱۲ هزار نسخه خطی در مرکز

احیای میراث اسلامی موجود است

حجرت الاسلام والمسلمین سید احمد حسینی اشکوری، رییس مرکز احیای میراث اسلامی، در مراسم اهدای گواهی ثبت کتاب شریف نهج البلاغه در حافظه جهانی به مرکز احیای میراث اسلامی گفت: انگیزه تأسیس این مرکز، اطلاع رسانی و کمک

به محققان و افراد نیازمند به نسخ خطی بود تا آثار نسخ خطی بدون مانع در اختیار نیازمندان قرار گیرد. وی در ادامه افزود: مرکز احیای میراث اسلامی در مدت ۱۶ ساله فعالیت خود موفق به عکسبرداری از ۷۰ هزار نسخه خطی داخل و خارج کشور شده است.

وی اظهار داشت: تا به حال عمده نسخ خطی کتابخانه های کشورهای اسلامی و غیراسلامی مانند هند، پاکستان، آلمان، فرانسه، انگلستان و ایتالیا عکسبرداری شده و نسخه ای از آن ها به روی سی دی و دو نسخه دیگر از آن به صورت چاپ شده به روی کاغذ نگهداری می شود.

وی با اشاره به بخش دوم فعالیت مرکز احیای میراث اسلامی تاکید کرد: این مرکز در مدت کوتاه فعالیت خود موفق شده بیش از ۱۲ هزار نسخه از کتب خطی اصیل را جمع آوری کند.

رییس مرکز احیای میراث ملی تصریح کرد: تاکنون هشت جلد فهرست نسخه های خطی چاپ شده، جلد های نهم، دهم و یازدهم آن برای چاپ آماده و جلد دوازدهم آن در حال نگارش است.

وی بیان داشت: موزه ای بی سابقه و برای اولین بار با عنوان نوشت افزار تهیه شده است که در آن مقداری اسناد تاریخی نگهداری می شود و مورد استفاده کارهای جنبی مرکز است.

هانری کربن نامی شناخته شده در ایران است. کربن را زابری از غرب نامیده‌اند. کسی که سال‌ها در ایران ماند و تلاش‌های بسیاری کرد تا میراث اسلامی ایرانی را به همه جهانیان بشناساند. سیدحسین نصر زمانی گفته بود که کربن از همه ما سهم بیشتری در شناساندن اندیشه اسلامی داشته است. به تازگی کتاب «چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی اسلام ایرانی» که در جهان اثری شناخته شده است توسط دکتر انشاءالله رحمتی ترجمه و منتشر شده است. این کتاب یکی از مهم‌ترین تالیفات هانری کربن است. این اثر نه فقط دستاورد تبعات و تأملات عالمانه در متون بلکه رهاورد تجربه ژرف نویسنده از عوالم معنوی ایرانیان و ارتباط وجودی کم نظیری است که با آن عوالم برقرار داشته است. در جلد نخست، معنویت تشیع دوازده امامی را از همین منظر بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این مذهب می‌تواند به کمال دین نبوی مبتنی بر پدیدار کتاب قدسی باشد. متن ذیل بخشی از پیشگفتار این کتاب حاضر است که در ادامه می‌خوانید:

عنوان اسلام ایرانی^۱ یا به عبارت کامل‌تر، اندر اسلام ایرانی: چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی آن که هانری کربن برای شاهکار خود برگزیده، از یک جهت عنوانی برانگیزاننده و جالب‌نظر است و از جهت دیگر البته ممکن است جلوه زنده‌یی داشته باشد. ممکن است در نگاه نخست این را متبادر به ذهن کند که گویی سخن از اسلامی با صبغه نژادی و جغرافیایی در میان است. خود کربن هم متفطن به این مطلب است و حتی در همان زمان حضورش در ایران و در ضمن گفت‌وگوهایش با محققان ایرانی، این موضوع برایش مطرح بوده است. من نیز در این سال‌ها که مشغول کار در زمینه آثار کربن بوده‌ام ضمن همفکری و مشورت با برخی از اهل نظر همواره به این موضوع اندیشیده‌ام. گاهی فکر می‌کردم عنوان دیگری برای این اثر برگزینم: عنوانی چون اسلام شیعی یا اسلام در ایران زمین، حکمت اسلامی - ایرانی. ولی چنین عنوانی هر یک به نحوی برای بیان مقصود کربن و نامی که خود انتخاب کرده است، نارسا می‌نماید. مثلا بدیهی است که تعبیر اسلام شیعی برای بیان این مقصود نه جامع است و نه مانع، زیرا هرچند پیوند وثیقی میان تشیع و ایران زمین موجود است، ولی بدیهی است که نه همه شیعیان ایرانی‌اند و نه همه ایرانیان شیعه مذهب. از عنوان اسلام در ایران زمین نیز عمدتاً این معنا فهمیده می‌شود که گویی فقط بحث کتاب درباره سرگذشت اسلام در جغرافیای تاریخی ایران است. هرچند در اثر حاضر کربن به این وجه نیز نظر دارد، ولی این موضوع فقط از وجوه فرعی بحث اوست و همانطور که در ادامه خواهیم دید اصل بحث او چیز دیگری است. حتی عنوان «حکمت اسلامی - ایرانی» نیز واقعی به بیان مقصود نیست، زیرا صرفاً آن نوع حکمت اسلامی که در ایران زمین شکل گرفته است، در اینجا مورد نظر نیست، بلکه هدف وی بحث درباره اسلام است آنگونه که بر ذهن و ضمیر ایرانی پدیدار شده است.

باری، رسم امانتداری حکم می‌کند که اصطلاحات متن اصلی و به‌ویژه عنوان آن به دقیق‌ترین وجه ممکن معادل‌سازی شود و ضرورت این امر درباره اثر حاضر، که اینک اثری کلاسیک است و در همه جای جهان به این نام شناخته می‌شود، دوچندان است و اما مهم‌تر اینکه اگر در تعبیر اسلام ایرانی ژرف‌نگریم و آن را در پرتوی مبانی و مقاصد نویسنده در نظر بگیریم، آن جلوه زنده محو می‌شود، سهل است، بلکه خواهیم دید که اصولاً چنین فهمی درست در مقابل آن مبانی و مقاصد قرار می‌گیرد. اگر چنین فحوای زنده‌یی از این تعبیر متبادر به ذهن می‌شود، به دلیل نگرش عرفی شده و قداست زدایی شده جهان امروز است؛

ابعاد و آفاق معنوی تشیع

نشان می‌دهد که حقیقت دین و به‌طور خاص حقیقت اسلام، از نگاه وی جایگاهی بسیار رفیع‌تر و عمیق‌تر از آن دارد که بتوان اصولاً امر تصرفات بشری در آن را حتی محتمل دانست.

از منظر پدیدارشناسانه کربن، منظور از اسلام ایرانی همان حقیقت اسلام است به‌گونه‌یی که بر ذهن و ضمیر ایرانی پدیدار شده و این پدیدار اسلام ایرانی البته دارای امتیازات خاص و حتی منحصر به فردی است. ولی این برتری نه از آن ذهن و ضمیر ایرانی بلکه از آن اسلام است و اساساً ذهن و ضمیر ایرانی نمی‌تواند چیزی به اسلام بیفزاید و از این طریق امتیازی به آن ببخشد. در حقیقت اسلام برای ذهن و ضمیر ایرانیان جلوه کامل‌تری داشته و این کمال به دلیل آن است که از ابتدای آشنایی ایرانیان با اسلام، این دین در قالب دو ساحت ظاهر و باطن بر آنان پدیدار شده است و در نتیجه همین پدیدار کتاب قدسی را همواره نیازمند تاویل می‌دیده‌اند و ضرورت کتاب ناطق در کنار کتاب صامت را به درستی درک می‌کرده‌اند. به عبارت دیگر درک ایرانیان از اینکه ولایت/امامت، مکمل نبوت است دلیل بر همین برتری است و از این روی ایرانیان همواره با اسلام به عنوان دین ولایت مواجه شده‌اند و از ابتدای تاریخ اسلام، ایران مهد تشیع بوده است. کربن به درستی بر این واقعیت تاریخی تأکید می‌ورزد که هرچند قریب به پنج سده است که تشیع دوازده امامی دین رسمی ملت ایران است، ولی به گواهی شواهد عیدیه، ایرانیان از آغاز، از بدو ریشه دوانیدن اسلام در دیارشان، به این نوع اسلام متمایل بوده‌اند.

البته، از این واقعیات تاریخی، هرگز نباید نتیجه گرفت که چنین درکی مختص ایرانیان است. تجلی حقیقت امتیاز خاص یک قوم و نژاد نیست و همواره در طول تاریخ، هم پیش از اسلام و هم پس از اسلام، در میان همه ملل و اقوام، کسانی برخوردار از چنین درک جامعی نسبت به دین وجود داشته‌اند و اساساً هدف همه مقایسه‌ها و تطبیق‌هایی که کربن در جای‌جای آثارش یادآور می‌شود، همین است. گویی می‌خواهد، نشان دهد که هرچند سخن از اسلام ایرانی است ولی این اسلام خاص ایرانیان، موهبت نژاد ایرانی، نیست. واقعیت این است که ایرانیان بیش از سایر اقوام توانسته‌اند به این پدیدار کامل اسلام دل و دین بسپارند و برخوان نعمت آن بنشینند.

سوال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، این است که اگر بپذیریم فحوای اسلام ایرانی، این نیست که ایرانیان دخل و تصرفی در اسلام داشته‌اند و اسلام ایرانی همان اسلام ناب است، اما این تعبیر از جهت دیگری نیز می‌تواند تعبیر زنده‌یی باشد. در هر حال این تعبیر فحوای قومی و نژادی دارد و به نوعی برتری نژاد ایرانی را اثبات می‌کند. زیرا لااقل مدعا این است که ایرانیان عموماً قابلیت بیشتری برای درک کامل‌تر اسلام داشته‌اند و به‌علاوه خود کربن در مواضع مختلف تعبیری چون نبوغ/مرام (ethos) ایرانی را به کار می‌برد. برای مثال درباره فرشته شناخت می‌نویسد: گویی شهود کوه‌های رفیع ایران، پیوسته عقل نظری نفس ایرانی را یک‌بار دیگر مهیا می‌ساخته است تا اشراقی از عقل فعال دریافت کند. چیزی که ما فرشته شناخت به معنای راستین کلمه می‌نامیم، شاید فیض مخصوص، موهبت روح ایرانی به تاریخ دینی بشریت است.

بدیهی است که ایرانیان به دلیل سابقه دین توحیدی و کتاب آسمانی‌شان و به‌ویژه به دلیل زیستن در یک عالم اعتقادی که سرشار از حضور فرشتگان و ارباب انواع بوده است، پس از گرویدن به اسلام از زمینه مساعدتری برای فهم جامع‌تر از این آیین نوین برخوردار بوده‌اند و به‌علاوه ظهور اسلام را نوعی احیا و تجدید حقایق فراموش شده دین خویش می‌دانسته‌اند (یکی از ابعاد تحقیق کربن، اساساً نشان دادن همین پیوند میان ایران پیش

در این نگرش اصل و اساس قدسی دین به دست فراموشی سپرده شده است و بنابراین همه دین را بر مبنای پدیده‌های تاریخی، جغرافیایی، قومی و اجتماعی تعبیر و تفسیر می‌کنند. ولی همان‌طور که در جای‌جای این اثر خواهیم دید، هدف اصلی کربن مبارزه و مقابله با چنین نگرشی است. همه سعی جمیل وی معطوف به رهاندن جهان امروز از ورطه این عرفی‌نگری و عرفی شدن است.

کربن روش خود را پدیدارشناسی معرفی می‌کند و تأکید می‌ورزد که پدیدارشناسی وی بیش از آنکه با شیوه پدیدارشناسی فیلسوفان مدرن، فیلسوفانی چون ادوموند هوسرل و مارتین هایدگر منطبق باشد، مطابق با کشف المحجوب عارفان مسلمان است. اساس این کشف المحجوب را نجات پدیدارها^۲ معنا می‌کند. منظور از نجات پدیدارها^۳ این است که بگذاریم یا مجالی فراهم‌سازیم تا امور همان‌گونه که هستند، خود را پدیدار سازند، پدیدارشناسی او به معنای شناخت حقایق امور است، آنگونه که بر ذهن و ضمیرکسانی که در معرض‌شان قرار دارند، منکشف می‌شوند.

بنابراین، در اینجا وقتی سخن از اسلام ایرانی به میان می‌آید، هرگز اسلامی که ساخته ایرانیان است یا حتی اسلام آنگونه که در ذهن و ضمیر ایرانیان شکل گرفته است، مدنظر نیست. بدیهی است که اگر این عبارت اینگونه معنا شود، باید پذیرفت که خلوص و قدسیت اسلام، دستخوش تصرفات ایرانیان واقع شده است. این تلقی نه فقط با حقیقت اسلام، بلکه با حقیقت دین و عرفان تعارض دارد. شهاب‌الدین سهروردی، در مقدمه حکمه الاشراف می‌نویسد: دانش مختص به یک گروه نیست تا پس از آنان باب ملکوت بسته شود و بلکه بخشنده دانش که در افق رخشان قرار دارد بر آشکار ساختن حقایق غیبی بخل نمی‌ورزد. واهب‌العلم، همان عقل فعال فیلسوفان و جبریل امین، روح القدس در لسان دین است و همانطور که در ادامه خواهیم دید، خورشیدوار، در همه زمان‌ها، بر همه انسان‌ها نور افشانی می‌کند. بنابراین حقیقت دین، حقیقتی لازمان و لامکان است که ریشه در مبدا هستی دارد و پس از تنزلات پیاپی در عوالم مختلف، در نهایت به شکل «وحی» یا کتاب قدسی در اختیار بشر قرار می‌گیرد. به واقع حقیقت دین به‌طور کلی دو وجه دارد، یک وجه آن کلام است و وجه دیگرش کتاب. کلام آن وجه از دین است که به «عالم امر» یا جبروت تعلق دارد. عالم امر، عالمی است که بدون واسطه و به صورت ازلی از امر کن‌باش صادر می‌شود و دین در این مرتبه کلام است. ولی به لحاظ تنزل به عالم خلق، تبدیل به کتاب می‌شود (عالم خلق، عالمی است که با واسطه عالم امر صادر شده است). بنابراین دین در مرتبه کتاب ریشه در مراتب بسیار برتری دارد و در آن مراتب، کلام است. وقتی سخن از تنزلات وحی یا به عبارت دیگر مراتب ظهور و بطون به میان می‌آید، همین معنا مورد نظر است. اما وقتی پدیدار دینی را در همین مرتبه کتاب در نظر می‌گیریم، خود یک پدیدار اولیه و اصیل است و نمی‌توان آن را بر طبق مبادی دیگر تبیین و توجیه کرد.

بنابراین اسلام آنگونه که بر ما عرضه می‌شود، اسلام در مرتبه کتاب قرآن است. یعنی همان اسلام که هر چند اصل آن متعلق به عالم امر است، ولی به صورت کتاب قرآن در قالب حرف و لفظ و کلمات بر ذهن و ضمیر بشر عرضه شده است. البته قرآن را نیز باید هم به معنای قرآن صامت در نظر گرفت و هم قرآن ناطق و این هر دو، ظهور حقیقت کلام در قالب کتاب است (و مضمون تاویل که هدف آن بازگرداندن این پدیدار به اصل آن است، از همین جهت اهمیت می‌یابد). در اینجا قصد ورود به این بحث بسیار عمیق و پیچیده را ندارم. در این اثر به‌ویژه در فصول ۴، ۵ و ۶ به این موضوع پرداخته شده است، ولی همین اشارات مختصر

از اسلام و پس از اسلام است). ولی نه این قابلیت ایرانیان به هنگام آشنایی با اسلام و نه فعلیت‌یابی این قابلیت در سده‌های بعدی تا به امروز، هیچ‌یک نمی‌تواند دستمایه تفاخر و غرور قرار بگیرد. همه این‌داری، از نوع دارایی معنوی است که هرگز نمی‌توان آن را ملک طلق خویش دانست، برسر آن با رقیبان به ستیزه برخاست و دستمایه تفاخر بر دیگران قرارش داد. ارزش‌های معنوی، تازمانی به ما تعلق دارند که آنها را مختص به خویش ندانیم. برخورداری از این ارزش‌ها، ذاتاً هم مستلزم فروتنی است و هم مستلزم گشاده‌دستی و تلاش برای شریک قرار دادن دیگران.

به هر حال بر طبق روش پدیدارشناسی دینی کربن یا همان کشف‌المحجوب، پدیدار، حقیقتی که عیان می‌شود، مشروط است به قابلیت ذهن و ضمیری که بر آن عیان شده و ذهن و ضمیر ایرانیان از این قابلیت برخوردار بوده است. ولی این بدان معنا نیست که دیگران نمی‌توانند از آن نصیب ببرند. اساساً اعتقاد راسخ به همین امکان نصیب بردن دیگران از آن، سبب شده که کسی چون کربن که متعلق به اقلیم فرهنگی دیگری است، عمده هم خویش را صرف شناخت اسلام ایرانی کند. برطبق این پدیدارشناسی آنان که خود قادر به مکاشفات و مشاهدات اهل معنا نیستند و این پدیدارهای معنوی از دید آنها مخفی مانده است، نمی‌توانند آنها را منکر شوند یا توجیه و تاویل‌های غیردینی برای آنها بتراشند، بلکه منطقاً فقط یک کار می‌توانند کنند و آن اینکه شرایطی را کشف کنند که این پدیدار در تحت آن برای کسانی که مشاهده‌اش کرده‌اند، عیان شده باشد.

معرفی کتاب چشم‌اندازهای معنوی

و فلسفی اسلام ایرانی

تالیف: هانری کربن

تحقیق و ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی

انتشارات سوفیا

معرفی کتاب: فهرست مطالب این کتاب از این قرار است: پیشگفتار مترجم (که شامل این مباحث می‌شود: ۱- افق معنوی فلسفه اسلامی، ۲- اسلام ایرانی، ۳- فلسفه نبوی، ۴- درباره ترجمه، مقدمه، چکیده دفترهای اول و دوم، دفتر نخست: چشم‌اندازهای تشیع دوازده امامی.

فصل اول: تشیع و ایران زمین (۱- دشواریهای تحقیق، ۲- یک عالم معنوی که باید فهمیده شود، ۳- برخی پیش‌دواری‌ها پیرامون تشیع، ۴- مشکلاتی که باید با تشریح مساعی بر آنها چیره شویم؛ فصل دوم: مفهوم و معنای تشیع دوازده امامی (۱- فکرت مبنایی نظریه امامت، ۲- حکمت نبوی و دین ولایی، ۳- ملکوت دوازده امام، ۴- تناقض‌های فراروی اسماعیلیه و تشیع دوازده امامی؛ فصل سوم: پیکار معنوی تشیع (۱- موقعیت اهل معنای شیعه مذهب، ۲- امانت الهی سپرده شده به انسان، ۳- گفتگوهای امام علی(ع) با کمیل بن زیاد، ۴- سلسله‌های روحانی غیبی، ۵- محل نزاع در پیکار معنوی تشیع و امروری بودن آن؛ فصل چهارم: پدیدار کتاب قدسی (۱- کتاب قدسی و تاویل، ۲- ابعاد و آفاق تاویل، ۳- آگاهی تاریخی و آگاهی عرفانی، ۴- تاریخی کردن یا درونی کردن؟؛ ۵- درک روحانی و انواع زمان‌بندی از دیدگاه سمنانی و قاضی سعید قمی؛ فصل پنجم: طریقت باطن و تاویل (۱- سرآئمه(ع) یا چهار مرتبه باطن، ۲- تنزلات کتاب قدسی، ۳- تاویل باطنی قرآن کریم؛ فصل ششم: نبوت و امامت (۱- لزوم انبیا و لزوم آئمه، ۲- طبقات انبیا و ولایت، ۳- میراث نبوی و امامت، ۴- علم موروثی انبیا، ۵- دایر نبوت و دایر ولایت؛ فصل هفتم: معنای امام در معنویت شیعی (۱- تشیع، دین محبت روحانی است که به شناخت خویشتن می‌انجامد، ۲- امام هادی و قطب است، ۳- امام اعراف است، ۴- امام گواه خدا بر خلق است).



آشنایی من با پروفسور هانری کربن به پنجاه سال قبل برمی گردد. آن وقت که آن دانشمند بزرگ به ایران رفت و آمد می کرد تا وسیله نشر آثار دانشمندان اسلامی - ایرانی به ویژه آن آثار که به زبان فارسی نوشته شده، فراهم آورد. همچنان که دانشمندان بزرگی همچون ابن سینا و سهروردی و ناصر خسرو با نوشتن کتابهای علمی به زبان فارسی ثابت کردند که این زبان می تواند گویای هر مطلب علمی باشد، کربن با نشر آن آثار ثابت کرد که لطایف و دقایق اندیشه های عرفانی و فلسفی و کلامی که به زبان فارسی بیان می شود، تاثیر مضاعف ب روح ایرانی به جای می گذارد.

در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که من «آشترنامه» منسوب به عطار را بر اساس نسخه های خطی تهران و نسخه خطی که از پروفسور چودی به وسیله پروفسور فریتز مایر به دستم رسید، تصحیح می کردم، پروفسور هانری کربن مرا بر این امر بسیار تشویق کرد و حتی وقتی جلد اول آن کتاب از چاپ درآمد، ایشان فرمودند: «جلد دوم را چرا منتشر نمی سازید؟» و وقتی در پاسخ گفتم که: «پس از مطالعه و تحقیق برای من ثابت شده که این کتاب از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری نیست، بلکه از کسی است که مدعی شده که از وجود خویش فانی گشته و عطار ثانی شده است، ایشان گفتند: «باز هم مهم است که کتابی که به نام عطار در اقطار بلاد خراسان مورد استفاده قرار می گرفته، مطالب آن بررسی و تحقیق شود.»

کربن با نشر آثار سهروردی که بخش فارسی آن به وسیله دوست دانشمندش دکتر سیدحسین نصر منتشر گردید، اندیشه و تفکر ایرانیان باستان را در مورد نور و ظلمت و برابری آن در مقابل وجوب و امکان که در فلسفه اسلامی مطرح بود، به اهل علم معرفی کرد؛ یعنی همان اندیشه ای که به عنوان «حکمت خسروانی و فلهوی» معروف گردیده بود که وجود مراتب مختلفی از قوت و ضعف و فقر و غنا دارد؛ مانند نور که مراتب مختلفی دارد که مرتبه عالی آن به نورالانوار (یعنی واجب الوجود در فلسفه مشائی) می رسد. کربن خود مثال بارزی از حکیم کامل بود که به قول سهروردی «حکمت بحیثیه» و «حکمت ذوقیه» را در خود جمع کرده بود؛ یعنی او مطالب نظری را با لطایف عرفانی می آمیخت که نتیجه آن مورد علاقه و پذیرش عالم

و عامی می شد.

درست چند سال از نشر کتاب «جامع الحکمتین» ناصر خسرو به وسیله هانری کربن نگذشته بود که من با همکاری مرحوم مجتبی مینوی دیوان ناصر خسرو را بر اساس نسخه مکتوب به سال ۱۳۳۶ تصحیح کردم و من نتیجه مطالعات خود را در کتابی تحت عنوان «تحلیل اشعار ناصر خسرو» منتشر ساختم. کربن اهمیت فراوانی به دیوان ناصر خسرو می داد؛ به ویژه برخی از مطالب جامع الحکمتین که در دیوان با اشارات کوتاه بیان شده بود، در جامع الحکمتین با وضوح بیشتر دیده می شد؛ مثلاً آنجا که ناصر در جامع الحکمتین می گوید که: حضرت مسیح که گفت: انی ذاهب الی ابي و ابي فی السماء (من سوی پدرم می روم و پدرم در آسمان است) منظورش این بود که نفس جزئی من متصل به نفس کلی می شود. در دیوان می گوید:

قول مسیح آنکه گفت: زی پدر خویش

می روم، این رمز بود نزد افاضل

عاقل داند که او چه گفت، ولیکن

رهبان گمراه گشت و هرقل جاهل

کربن در همین کتاب بحث عمیقی درباره تأویل و تزییل و باطن و ظاهر و ماثول و مثل کرده است و می گوید: این دو گانگی میان باطن و ظاهر از مشترکات میان اسماعیلیه و صوفیه است و از همین جهت است که توجه و عنایت کربن به آثار عرفانی دانشمندان ایرانی همچون عزیزالدین نسفی و شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سید حیدر آملی معطوف گردیده بود، خاصه آنکه در هر دو طریقه، تکامل نفس انسانی با نزدیکی به نفس کامل صورت می پذیرد که در یک طریقه از آن تعبیر به امام و معلم و در طریقه دیگر تعبیر به مراد و مرشد می شود. اسماعیلیه را اهل تأویل می نامند؛ چون تزییل و ظاهر بدون تأویل و باطن را جسدی بی روح می انگاشتند و اهل تعلیم نیز می گویند که رازهای پنهانی دین را فقط با یاری امام و معلم باید دریافت:

هر که بر تزییل بی تأویل رفت

او به چشم راست در دین اعور است

نهان آشکارا کس نبیند جز از تعلیم حری نامداری

کربن از اینکه در زادگاه ناصر خسرو از او به عنوان «سیدنا» یاد می شود، حدس زده که ممکن است اجداد او از بغداد به قبادیان مهاجرت کرده

باشند؛ ولی من کلمه «سید» را به معنی لغوی آن یعنی بزرگ می دانم که در ادب عربی به همین معنی به کار رفته؛ چنان که بحرتری می گوید:

و اری الخلق مجمعین علی فُض - لک من بین سید و مسود

(مردم را می بینم که بر فضل تو اتفاق دارند، چه خواجه و چه بنده)

از «سید» به معنی امروزی یعنی اولاد پیغمبر (ص) و ائمه (ع) در زمان ناصر خسرو تعبیر به «شریف» یا «علوی» می شده و ناصر خسرو نه تنها خود را در آثار خود با این عنوانها نخوانده، بلکه بزرگی و نباهت اجداد خود را نیز انکار می کند:

گر تو به تبار فخر داری من مفخر گوهر تبارم
این درحالی است که ابونواس گفته است:

من لم یکن علویا حین تنسبه فما له فی قدیم الدهر مفتخر

(هر که نسبت او به حضرت علی (ع) نرسد، او را در هیچ زمان افتخاری نیست) او برعکس با صراحت می گوید که از «پاک فرزند آزادگان» یعنی بنو الاحرار است که به ایرانیان اطلاق می شد؛

بنابراین شهرت «علوی» فقط نسبت روحانی می باید باشد، نه نسبت جسمانی و نسبت روحانی بسیار مهمتر از نسبت جسمانی است به قول شاعر:

نسبت جان و دل چو باشد سست نسبت آب و گل چه سود درست

کربن از جهت آنکه ناصر خسرو به رد محمد بن زکریای رازی پرداخته، به رازی هم علاقه مند بود و به بیرونی هم که آثار رازی را فهرست و طبقه بندی کرده، اظهار تمایل می نمود و از همه بیشتر به ابن سینا، به ویژه بعد عرفانی او توجه داشت؛ از همین جهت از نشر کتاب «الاسوله» و «الاجوبه» بیرونی و ابن سینا که به وسیله ابن جانب و دکتر سیدحسین نصر انجام یافت، اظهار خشنودی می کرد و ترجمه رساله ابوریحان در فهرست کتب رازی و «سیرت فلسفی رازی» را که منتشر ساخته بودم، می ستود و نشر شرح الهیات شفای ابن سینا را که فقط در اندیشه من بود، تشویق و ترغیب می کرد؛ هر چند که در موقع نشرش یعنی ۱۹۸۶ آن دانشمند روی در نقاب خاک کشیده بود.

کربن نه تنها به فلسفه اسلامی - ایرانی دوره کهن، بلکه به فلسفه اسلامی - ایرانی دوره متأخر (یعنی فلسفه میرداماد و ملاصدرا و عبدالرزاق لاهیجی و فیض

اشعریون و واقعه عاشورا از نگاه آیت الله محقق داماد

گفت: تفکر مبتنی بر قضا و قدر به معنای سلب مسئولیت از بشر است. اصول سیاست بنی امیه در ترویج اندیشه ها و فعالیت های ضد دینی امیران و خلفای خود نیز بر همین قضا و قدر استوار بود. بنابراین خونریزی، آدم کشی و اتفاقات واقعه کربلا بر اساس همین تفکر بهانه ای برای فعالیت های افرادی چون عمر بن سعد و در نهایت جنایت در کربلا شد از دید آنها واقعه کربلا چیزی جز قضا و قدر نبود.

آیت الله محقق داماد با تأکید بر این که کلام اشعری در قرن دوم به مباحث فقهی و اجتهادی اسلام نفوذ کرد، گفت: ابوالحسن اشعری، بنیانگذار این مکتب کلامی معتقد است مسلمان باید فرمانبردار بی چون و چرای حاکم خود باشد حتی اگر وی از دین خروج کرد.

وی در جای دیگری می گوید در بین مردم مسلمان نسبت به امامت یزید اختلاف جدی است برخی به استناد اجماع مسلمانان او را امام خود دانسته و با وی بیعت کردند و تنها حسین بن علی (ع) بر او خرده گرفته است. از همین سخن می توان فهمید امامت یزید مورد تأیید این فرد قرار داشته است و وی با تمام تفکر و دانایی خود طرفدار قدرتهای سیاسی زمان شد.

و عالمان علم را به محکمه فراخوانند و آنها را مورد تفتیش عقاید قرار دهند، هر که طرفدار معتزله نبود از دم تیغ او گذشت و این لکه ننگ تا زمان مرگ مأمون عباسی در سال ۲۳۴ قمری دامن معتزله را گرفت و بعدها نمونه این تفتیش عقاید ها و کشتار دانیان در قرون وسطی نیز مشاهده شد.

تفکر اشعری مخالف عقل گرایی اسلامی بود
آیت الله محقق داماد درباره تفکر اشعری و ریشه های به وجود آمدن آن در طول تاریخ توضیح داد: تفکر اشعری پیش از به وجود آمدن مکتب آن توسط ابوالحسن اشعری ایجاد و در حرکت های سیاسی طول تاریخ اسلام مشهود شد. حتی برخی معتقدند مؤسس این مکتب معاویه بود. این اندیشه در دوره هایی به نفع قدرتها به جان ملت های مسلمان افتاد و یکی از عوامل انحطاط مسلمانان شد. تفکر اشعری مخالف عقل گرایی اسلامی بود، بنابراین از مشخصه ها و فصل ممیزه های این تفکر عدم عقل گرایی و انقیاد محض است. این مکتب با شعار دینداری بدون تعقل بر اساس برخی اندیشه های مطرح شده در تورات ایجاد شد.

طبق تفکر اشعری واقعه کربلا قضا و قدر بود
وی یکی از مهمترین ثمرات تفکر اشعری را اعتقاد به جبرگرایی و قضا و قدر الهی دانست و

کاشانی و دانشمندان پس از اینها که بدنه حکمت متعالیه را تشکیل می دهند) علاقه فراوانی داشت. او «خلع و لبس» میرداماد را که در ملائز ماسینون منتشر ساخته بود، به خوبی مورد تحلیل و بررسی قرار داد و من ترجمه فارسی آن را در چاپ دوم قیسات میرداماد در مقدمه آوردم. او از نشر کتاب قیسات میرداماد که به وسیله من و همکارانم انجام شد، بسیار خشنود و خرسند بود و همیشه توصیه می کرد که شرح آقا جانی و شرح سید احمد علوی برای حل دشواریهای آن کتاب چاپ شود که خوشبختانه شرح علوی سال ۱۳۷۶ در مجموعه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل با همکاری مرکز نشر میراث مکتوب منتشر شد.

او این مجموعه را که با کوشش من و همکاران عزیز، پروفسور ایزوتسو و پروفسور لندلت و پروفسور سیدحسین نصر با لیدن گرفت، می ستود. ترجمه شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری به انگلیسی که توسط من و ایزوتسو انجام و در نیویورک در سال ۱۹۷۷م چاپ شد و ترجمه کاشف الاسرار نورالدین اسفراینی به وسیله دکتر لندلت و مقدمه دکتر نصر بر «انوار جلیه» ملاعبدالله زوری و آثار دیگر آن مجموعه، روحی تازه به کربن داد و او را نسبت به آینده علمی ایران امیدوار می ساخت.

من در مقدمه شرح قیسات سید احمد علوی از کوششهای کربن و سیدجلال الدین آشتیانی در معرفی آثار حکمای الهی ایران یاد کردم و تقدم فضل و فضل تقدم را در این زمینه به هر دو متعلق ساختم و اکنون بسیار شادمانم که موفق شدم کتاب «جشن نامه هانری کربن» را که به وسیله دکتر سیدحسین نصر فراهم آمده بود و بسیاری از دوستان و علاقه مندان ایرانی و غیر ایرانی مقالاتی را به احترام کربن به آن مجلد ضمیمه اهدا کردند. در سال ۱۹۷۵ در زمان حیات کربن، در مجموعه «سلسله دانش ایرانی» که زیر نظر من و پروفسور ایزوتسو منتشر می شد، منتشر سازم و شاید بدون اغراق باید بگویم که این سلسله که اکنون شماره مجلداتش به شصت رسیده و آخرین آن، کتاب مهم میرداماد «تقویم الایمان» است که مورد علاقه خاص هانری کربن بود، توفیق نشر آن به تشویقهای کربن و یاری های سیدحسین نصر مرتبط می شود، تقدیم اهل علم می گردد.

استاد دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به این که اندیشه اشعری بر عزت و ذلت انسان تأکید دارد، گفت: معتقدان به این مکتب بر اساس این آیه از قرآن کریم قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ نُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ نَشَاءُ وَنَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ نَشَاءُ وَنُعْزِزُ مَنْ نَشَاءُ وَتُذَلُّ مَنْ نَشَاءُ يَبْدَأُ الْخَيْرِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و معتقدند هر کس که از هر طریقی به حکومت برسد مورد تأیید خداوند است، بر همین اساس یزید پس از واقعه کربلا زمانی که در مقابل سر امام حسین (ع) قرار گرفت بیان کرد اگر حسین بن علی (ع) این آیه را خوانده بود، مطمئناً می فهمید که عزت در دست من است.

وی استفاده از واژه کسب توسط اشعریون را برگرفته از قرآن دانست و گفت: اشعریون با استناد به قرآن بیان می کردند که انسان هر چه کسب می کند به دست خودش است. جرقه های این اندیشه در تاریخ کربلا دیده می شود. یزید پس از واقعه کربلا در مجلسی به امام سجاد (ع) می گوید پدرت رابطه خویشی را نادیده گرفت و مقام و منزلت ما را در نیافت بنابراین خداوند آنگونه که دیدی با وی رفتار کرد، در مقابل امام سجاد (ع) بر اساس آیه ای از سوره حدید بیان کرد درست است همه اتفاقات به دست خداست اما هر عملی که انسان می کند ناشی از اعمال خود است.

گزارش مراسم تودیع حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان رئیس سابق کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس

اما همیشه از رسول جعفریان مثال می آورد. رئیس جدید کتابخانه مجلس با یادآوری اینکه ۲۵ سال پیش نزد شیخ عبدالحسین حائری، اولین رئیس کتابخانه مجلس خدمت می کرد، گفت: یکی از حوادثی که معمولاً در انقلابها اتفاق می افتد این است که ضوابط و قید و بندها از بین می رود، اما حائری از این گنجینه حراست و به سختی در مقابل مشکلات مقاومت کرد. پس از حائری، آقای فدایی عراقی کتابخانه مجلس را به سازمان مستقلاً تبدیل کرد که این، نقطه ای برای عظمت کتابخانه به شان و مقام کتابخانه مجلس بود، پس از آن حجت الاسلام ابهری اقدامات مهمی را در جایگاه بین المللی انجام داد، آقای جلالی هم در فرصت کوتاهی که در این مسند بودند، ادامه این کار را انجام دادند و فعالیت حجت الاسلام رسول جعفریان ثمره فعالیت های یک نسل از مدیران بود.

تجلیل حضرت آیت الله سبحانی

از خدمات استاد رسول جعفریان

در ابتدای مراسم تودیع حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان و معارفه دکتر محمد رجبی روسای کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، پیام آیت الله سبحانی به این مراسم قرائت شد. متن کامل پیام آیت الله سبحانی به شرح زیر است: پس از اهداء سلام به همه دوستان و سرورانی که این فضای علمی و روحانی را به عنوان تودیع از یکی از فرهیختگان کشور پدید آورده اند، گفتار خود را با این آیه کریمه آغاز می کنم: **وَ الْقَلَمَ وَ مَا یَسْطُرُونَ**. در اهمیت قلم کافی است که قرآن بدان سوگند یاد می کند. سوگندهای خدا در قرآن به یکی از دو جهت باز می گردد؛ یا به خاطر قداست یا به خاطر اهمیتی که در آن مقسم به است. در مورد نخست به جان پیامبر سوگند یاد می کند و می فرماید: **لَعَمْرُكَ أَنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ**. در مورد دوم بیشتر سوگندهای قرآن به خاطر آثار شگفتی است که در مقسم به وجود دارد. شما در مورد قلم یکی از این دو انگیزه را برگزینید.

پیامبر گرامی یادآور می شود که سه چیز حجاب ها را پاره کرده و به مقام ربوبی می رسد، یکی از آنها صدای خامه دانشوران بر روی برگ ها و کاغذهاست، چنان که می فرماید: **ثَلَاثَةٌ تَخْرُقُ الْحَجْبَ وَ تَصِلُ إِلَى بَيْنِ يَدَيِ اللَّهِ: ۱. صریر أقلام العلماء...**

در گذشته، وسیله نگارش قلم نی بود که به هنگام گردش روی کاغذ، صدای خاصی داشت، این صدا نزد خدای بزرگ بسیار محترم است. اگر خدا نعمت قلم و نگارش را به انسان نمی داد، بشر در همان عقب ماندگی نخست باقی می ماند و هر فردی تجربه های علمی و صنعتی خود را به گور می برد و نمی توانست آن را به نسل بعد منتقل سازد. این گردهمایی به عنوان تکریم و تجلیل از یکی از نویسندگان هدفمند و دانشوران بنام کشور، یعنی حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ رسول جعفریان است که خود هم نگهبان قلم های پیشینیان و کوشا در نشر آنها و هم دارای تولید فکری و علمی می باشد.

آثار علمی این دوست ارجمند، برای همگان مفید و سودمند است، او در مدت سرپرستی خود، تحولی عظیم در کتابخانه مجلس پدید آورد، چه آثار مخطوطی که به همت او و همکاران وی به زیور طبع آراسته گردید.

اینجانب و شاید دیگر دوستان نیز از این وداع راضی نبوده ایم ولی چه می توان گفت که معظم له خود تصمیم بر ترک این مسئولیت گرفته است، امیدوارم جانشین ایشان جناب آقای محمد دوانی که فرزند روحی من به شمار می رود، به سان سلف خود، این تحول را دنبال کرده و افتخار دیگری نصیب کتابخانه مجلس و کارکنان آن سازد.

گرایش های گوناگون و برای اهل تدبیر مفید است. رئیس مجلس شورای اسلامی ابتکار و ذهن نوگرایی رسول جعفریان را از دیگر ویژگی های او برشمرد و تأکید کرد: در تمام مدت این چهار سال و اندی، او با اشتیاق عجیبی افکار جدید را ارائه می کرد و دل مشغولی اصلی او این بود که امکانات فرهنگی در اختیار پژوهشگران قرار بگیرد. این نشان می دهد اگر مردان فرهنگی در مسندهای اجرایی قرار بگیرند و امکانات در اختیار آنها باشد، شرایط و محیط را تغییر می دهند.

وی ادامه داد: تا فضای علمی در کشور پر رونق نباشد، توسعه پایدار میسر نیست. اگر مشارکت در کشور به وجود بیاید و مردم به صورت واقعی به پژوهش روی بیاورند آن وقت می شود گفت آن مشارکت ما را در آستانه تحولات مهم قرار خواهد داد. وی در بخش دیگری از سخنانش بار دیگر به ویژگی های شخصیتی و اجرایی جعفریان اشاره کرد و گفت: او در کنار همه محاسنش، آدم عجیب و غریبی است، یک نمونه اش در همین مساله مربوط به ادامه کارش است؛ مدت ها بود که تصمیم گرفته بود مسئولیتش را ترک کند و من به این کار تمایل نداشتم و حیقم می آمد که این نیروی کاری را از دست بدهم، اما جعفریان وقتی دل می کند دیگر نمی شود جلویش را گرفت.

رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش با ذکر برخی ویژگی های محمد رجبی دوانی، رئیس جدید کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی گفت: آقای رجبی از ذهن پرتحرکی برخوردار است و ایده های خوبی دارد که حتماً مورد توجه واقع خواهد شد. یکی از کارهایی که آقای جعفریان در کتابخانه مجلس دنبال می کرد، برپایی همایش های فرهنگی با کشورهای دیگر بود که اتفاقات خوبی به ویژه در رابطه با کشورهای عراق و افغانستان افتاد، بسیار خوب است که آقای رجبی این راه را ادامه دهد.

وی همچنین با اشاره به گشاده دستی رسول جعفریان در تهیه منابع و ذخایر فرهنگی در کتابخانه مجلس و در دسترس قرار دادن آنها برای پژوهشگران، اظهار کرد: کتابخانه مجلس در زمان ورود آقای جعفریان ۲۵۰ هزار جلد کتاب داشت و در حال حاضر این تعداد به ۶۵۰ هزار جلد رسیده است که پیشرفت بسیار خوبی محسوب می شود. امیدوارم آقای رجبی که فرد فاضلی است کارهای کتابخانه مجلس را با حرکت قوی تری به پیش ببرد. لاریجانی در پایان سخنانش با اشاره به پروژه در دست ساخت کتابخانه مجلس در ضلع جنوبی مجموعه بهارستان یادآور شد: ما برای آینده کتابخانه مجلس امیدواری زیادی داریم و طرح یک کتابخانه عظیم هم در دست ساخت است که پیشرفت خوبی هم دارد. کتابخانه مجلس باید به جای بزرگتری منتقل شود تا بتوان این ذخایر ارزشمند را پاسداری کرد.

واژه مدیر شایسته، برای جعفریان بسیار کم است

سپس رئیس جدید کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دکتر محمد رجبی دوانی، پشت تریبون قرار گرفت و گفت: واژه مدیر شایسته، برای رسول جعفریان بسیار کم است.

ایشان عاشقی در حوزه کتاب بودند که از جان مایه گذاشتند، هرگاه با ایشان جلسه داشتیم، در ساعت ۶ صبح شروع می شد و همیشه ایشان تا پاسی از شب در اینجا حضور داشتند که اینها همه نشانی از عشق به کار است. وی ادامه داد: جعفریان تنها مدیر نبود و با شیدایی که برای انجام کارهای بزرگ داشت، اقدامات زیادی را انجام داد.

وی ادامه داد: تعریف رسول جعفریان را از مرحوم پدرم که امروز سالگرد درگذشت ایشان است، شنیدم، پدرم عموماً از کسی تعریف نمی کرد،

سخن پرداخت و گفت: با عرض خیر مقدم خدمت میهمانان، خواهران و برادران، پژوهشگران و عزیزانی که به احترام کتابخانه مجلس در این مکان تاریخی و خاطره انگیز حضور یافته اند. تشکر ویژه از کسانی که به احترام چهار سال فعالیت کتابخانه (که با کمک جمعی از دوستان و عزیزان شما در این کتابخانه به این نقطه از رشد رسیده)، در این محفل حاضر شده اند. بنده به نوبه خود از شما میهمانان عزیز، پژوهشگران، نمایندگان و مدیران مجلس به ویژه ریاست محترم مجلس، و نیز دوستان عزیزم از تهران و قم، سپاسگزاری می کنم.

وی در ادامه به چند نکته اشاره کرد و گفت: خواسته قلبی ما در این دوره، حمایت از پژوهشگران و اصحاب علم و دانش بود. در وهله نخست حمایت معنوی مد نظر ما بود که شامل ایجاد فضایی آرام، سرشار از کتاب و سند و ایجاد امکانات برای دستیابی آسان به منابع می شد. حمایت دیگر جنبه مادی داشت که ملاحظه افراد کم درآمد و حمایت از پژوهشگرانی که در کار فهرست نویسی و تصحیح بودند، برای ما اهمیت داشت. طبیعی است که انتظار ما از مجموعه دستگاه های فرهنگی و پژوهشی، به ویژه ک-تابخانه ای این است که این حمایت ها ادامه پیدا کند و افزون بر جنبه های معنوی و مادی، به لحاظ عاطفی نیز اصحاب پژوهش، از پیر و جوان محترم شمرده شده و زیر چتر حمایتی آنان قرار گیرند.

دکتر جعفریان افزود: از نظر نقطه پژوهش، آنچه بیش از همه مورد توجه بود، احترام به خواسته علمی پژوهشگران برای انجام هر نوع تحقیق و دسترسی به هر نوع منبع برای رسیدن به نقطه ایده آل شان در پژوهش بود. آنچه برای این قبیل مراکز، از زاویه دید مدیریتی مهم است، احترام به پژوهش آزاد توسط نخبگان و ایجاد فرصت برای پژوهیدن و نیز ابزار دیدگاه های آنهاست. مرکزی مانند کتابخانه، مکانی است برای همه کسانی که مشغول پژوهش هستند و از این زاویه، پژوهشگران آزاد که از حامیان کمتری برخوردارند، باید از امکانات بیشتری برخوردار باشند.

وی در ادامه گفت: در طول خدمت چهار ساله تلاش کردم پای نیروهای جوان دانشگاهی به اینجا باز شود و به آسانی بتوانند از اسناد و متون و نسخه های خطی برای مقاله یا پایان نامه استفاده کنند. این کار می تواند با شتاب بیشتری دنبال شود و زمینه همکاری بیشتر میان دانشگاه ها را با کتابخانه مجلس فراهم کند. آنان باید بدانند در اینجا چه چیزی هست (و بنابراین باید فهرست نویسی ها کامل و کاملتر باشد) و اینجا را خانه دوم خود بدانند و به آسانی و با اطمینان به اینکه هر آنچه هست، در اختیارشان خواهد بود، به اینجا قدم بگذارند.

جعفریان کتابخانه مجلس را متحول کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی، دکتر علی لاریجانی سخنران بعدی این مراسم بود. وی با تقدیر از زحمات حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان گفت: حضور در این گونه جلسات برای من دشوار است چون عزیزانی که مدت ها در خدمتشان بودم جایز را به عزیز دیگری می دهد و لذا نفس این جلسات برای من همیشه حالت پارادوکسیکال داشته است. وی سپس با اشاره به ویژگی های شخصیتی و مدیریتی جعفریان یادآور شد: آقای جعفریان در کار پژوهش و تطبیق علمی بسیار شجاع است و محافظه کاری در کارش نیست. این شجاعت برای کارهای علمی لازم است و همین ویژگی ایشان باعث تحول در کتابخوانی مجلس شده بود.

دکتر لاریجانی گفت: پرکاری آقای جعفریان از دیگر ویژگی های اوست که کمتر در افرادی با این سن و سال سابقه دارد. آثار آقای جعفریان بسیار متنوع و دارای

جعفریان به روایت

مهدوی راد

حجت الاسلام والمسلمین مهدوی راد، عضو هیئت امنای کتابخانه مجلس در مراسم تودیع حجت الاسلام رسول جعفریان به سخنرانی پرداخت و گزارش از عملکرد و فعالیت های کتابخانه مجلس در این چهار سال ارائه داد.

او گفت: از آن روزی که جعفریان ریاست کتابخانه مجلس را پذیرفت، من در جلسه ای گفتم که کتابخانه های ما نه تنها به روز نیستند، بلکه طبق معیار دیروز و پریروز هم نیستند. وی، به پژوهش خود مبنی بر انجام فهرست نویسی به زبان عربی اشاره کرد و گفت: از مجموع پژوهش خود دریافتیم که ۵ درصد منابع خطی ما در فهرست ها وارد شده و از ۹۵ درصد باقی مانده خبری نداریم.

مهدوی راد کتابخانه های کشور را نیازمند سرمایه علمی، بودجه، دلسوزی و عشق مسئولان دانست و گفت: کتابخانه مجلس حتماً دارای ذخایر بسیار عظیمی است. این کتابخانه هم دارای نسخ خطی فراوان و هم اسناد بسیار باارزشی است، که جعفریان آنها را از زیر خاک بیرون کشید و به پژوهشگران معرفی کرد. مهدوی راد از رفتن جعفریان از کتابخانه مجلس اظهار تأسف کرد و گفت: بیش از دو دهه است که من با رسول جعفریان همدل و همفکر هستم.

حجت الاسلام مهدوی راد، دکتر جعفریان را در اشراف بر اهمیت نسخ خطی و منابع کتابخانه ای و در به کار گرفتن این منابع در پژوهش کم نظیر دانست و گفت: این فعالیت های عالمان و بزرگانی هم چون جعفریان مایه افتخار ما در میراث مکتوب است. وی افزود: جعفریان صدها هزار برگ را از زیر خاک های کتابخانه بیرون کشید و به مدد دانشجویان رشته تاریخ که با خود از دانشگاه آورده بود، آنها را معرفی و دیجیتالی سازی کرد. وی از جمله محققانی است که هم آگاهی دارد و هم شیدایی و شیفتگی به علم. جعفریان حدود دو برابر تعداد کتاب های چاپی کتابخانه، منابع بالارزش را خریداری و به کتابخانه افزود. سند مال جعفریان می دانست که کتاب مال مردم، سند مال محقق و نسخه خطی برای دانشور است.

ریاست جعفریان بی نظیر بود

دکتر محمد کاظم بجنوردی، رئیس مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، سخنران بعدی مراسم تودیع و معارفه روسای کتابخانه مجلس بود. او طی سخنانی، مسئله فرهنگ را روح ملت

دانست و گفت: ایرانیان نقش بسیار برجسته ای در شکوفایی فرهنگ اسلامی داشتند، بنابراین ما باید عنایت و توجه به فرهنگ را نسبت به کارهایمان در نظر بگیریم. وی با طرح سؤالی مبنی بر اینکه چرا ما نباید بزرگترین کتابخانه جهان اسلام را داشته باشیم، گفت: ما هم توانایی مادی و هم معنوی این مهم را داریم. اگر ایران محل تردد اساتید، پژوهشگران و محققان جهان اسلام شود و منابع تحقیقی نیز از تمامی کشورهای اسلامی جمع آوری شود، در این صورت قدرتمند می شویم؛ زیرا قدرت از اندیشه برمی آید. جعفریان در مدت چهار سال ریاست شان بی نظیر عمل کردند و تمام ۲۰ هزار نسخه خطی و کتاب های چاپ سنگی موجود را به صورت دیجیتالی ارائه دادند و محققان نیز از این منابع استفاده کردند.

حمایت از پژوهشگران؛ خواست قلبی ما

سپس حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان ریاست سابق کتابخانه مجلس به ایراد



دوستان برای رابطه با مصر هروله نکنند

تنها تشیع ما را قبول ندارند، بلکه تسنن آقای مرسی را هم خالص و بی اشکال نمی دانند! به هر حال امیدواریم که به تدریج دولت جدید مصر، پس از شصت سال دیکتاتوری سرهنگ ها، بتواند با معیارهای اصولی جهانی، آشناتر بشود و ضوابط اخلاقی را در برخوردها مراعات کند و باید به مسئله کم تجربگی دوستان در امر حکومت توجه نمود!

ظاهراً جنابعالی بر خوردهای داخلی دولت جدید در مصر را هم ناپخته می دانید؟

بله! درست است، برخوردها و اقدام های بعضی از مسئولین اخوان در دوران انقلاب و انعطاف غیر ضروری آنها با ژنرال های حسنی مبارک، معقول نبود. و بعضی از اقدامات دولت جدید هم با روش منطقی و قانونی در مصر سازگاری نداشت! مثلاً حکم ریاست جمهوری به ادامه برگزاری جلسات مجلس ملی که با رأی دادگاه عالی مصر، منحل شده بود، شتاب زده بود و برای همین هم بعد مجبور شد که آنحلال مجلسی را بپذیرد و ظاهراً کسی که رئیس جمهور می شود، خود را فوق قانون می پندارد و با یک حکم! به اقدام می پردازد... البته مسائل داخلی مصر به خود برادران! مربوط است، ولی در مسائل بین المللی، به نظرم باید تذکرات لازم، به موقع ابلاغ شود تا دولت جدید، با مشکلات خاص و جدید روبرو نشود، گرچه خود نیز به تدریج تجربه لازم را بدست خواهد آورد!

اخوان المسلمین مصر:

همگرایی با ایران منافع

کشورهای منطقه را تامین می کند

روزنامه مصری البديل به نقل از محمد غزلان نوشت که هراس برخی کشورهای حوزه خلیج فارس از همگرایی روابط میان دو کشور ایران و مصر کاملاً بی پایه و اساس است.

به گفته غزلان روابط قاهره و تهران می تواند در برطرف کردن نگرانی های برخی کشورهای منطقه خلیج فارس از سیاست های ایران موثر باشد.

سخنگوی اخوان المسلمین مصر با انتقاد از مواضع برخی کشورهای حوزه خلیج فارس در خصوص نزدیکی روابط تهران و قاهره تأکید کرد که این کشورها نمایندگان سیاسی در ایران دارند و این در حالیست که مصر از داشتن سفارتخانه نیز در این کشور محروم است. وی تأکید کرد که مصر باید از توانایی ها و موقعیت های اقتصادی و تجاری ایران که کشوری توانمند و مقتدر در منطقه است، استفاده کند.

البديل در ادامه افزود که محمد کامل عمرو وزیر خارجه مصر پس از دیدار اخیر خود با صالحی اعلام کرده بود، همگرایی با ایران علیه هیچیک از کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود.

این روزنامه همچنین به نقل از احمد راسم النفیس اندیشمند شیعه شناس مصری نوشت: برقراری روابط میان تهران و قاهره می تواند به تقویت نقش مصر در منطقه و جهان بینجامد.

به گفته وی یکی از مهمترین تأثیرات برقراری این روابط، دور شدن مصر از فشارهای سیاسی آمریکا و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد بود.

احمد راسم النفیس با اشاره به مخالفت آمریکا با ادامه فعالیت های هسته ای مصر تأکید کرد: این فشارها در حالی صورت می گیرد که مقامات ایران مبادله فناوری هسته ای را به مسئولان مصری پیشنهاد می دهند.

وی در ادامه افزود: از نظر اقتصادی نیز کشورهای حوزه خلیج فارس هیچگونه تلاشی در راستای تقویت اقتصاد مصر از خود نشان نمی دهند در حالیکه برقراری روابط اقتصادی با ایران می تواند تا حدودی این چالش را کاهش دهد.

آل سعود از در سازش درآید، ولی از لحاظ فکری، اخوان - و به تبع آن دولت آقای مرسی - نمی توانند در همه چیز با آل سعود هم آهنگ باشند، بویژه در مسائل عقیدتی اخوان هوادار اسلامی معتدل و تقریب بین مذاهب اسلامی هستند... در حالیکه وهابگری آل سعود نه تنها شیعیان را رافضی می داند بلکه اهل سنت را هم مسلمان واقعی نمی نامد! نایف بن عبدالعزیز که اخیراً درگذشت مخالف سرسخت اخوان المسلمین بود و آنان را اخوان الشیاطین می نامید... همان لقبی که شاه فاروق و سپس سرهنگ ناصر به اخوان داده بودند.

رهبران اخوان المسلمین در هر یک از کشورهای منطقه چه کسانی هستند و چه جریان هایی را رهبری می کنند؟

پاسخ به این سؤال تألیف جلد سوم کتابی را می طلبد که پاسخ بر سؤال یک و دو، دو جلد نخستین آن را می طلبید... یعنی شرح این امر، در سطور کوتاهی و مصاحبه ای کوتاه تر، مقدور نیست...

پیش بینی شما از آینده روابط مصر با غرب و اسرائیل چیست؟

روابط آینده مصر با غرب و اسرائیل، در نهایت مورد رضایت غربی ها نخواهد بود... و حتی اگر اخوان هم بخواهند با آن ها - بویژه اسرائیل - با مماشات رفتار کنند، مردم مصر، به آن رضایت نخواهند داد... حمله روزهای نخستین به سفارت اسرائیل، و اخیراً به سفارت آمریکا و آتش زدن به پرچم آن ها در قاهره، نشان می دهد که مردم، در کنار هیچ کسی که با امپریالیسم غرب سازش کند، نخواهند بود و این فرد، فرق نمی کند که شاه فاروق باشد یا سرهنگ ها، یا هر شخص دیگری...

آینده شاید نه چندان دور، صحت این پیش بینی را نشان خواهد داد.

روابط مصر با ایران چگونه خواهد بود؟

اگر ایران در تحسین این رابطه عجله نکند و دوستان برای سفر به قاهره هروله نکنند... شرایط عزت و حکمت و مصلحت را مراعات کنند، روابط بین دو کشور رو به بهبود خواهد نهاد... اما هرگونه عجله و شتاب بعضی از دوستان در ایجاد این رابطه، بهبود وضع را به تأخیر خواهد انداخت...

سخنرانی تقریباً غیر مربوط و ناپخته برادر ما آقای محمد مرسی در اجلاس سران جنبش عدم تعهد، در تهران واکنشی غیر معقول بر تأکید و اصرار دوستان برای برقراری سریع روابط بود... اما بی اعتنائی بعدی و انتقادهای اهل خرد از روش او، باعث شد تا آقای محمد مرسی این بار خود و با اصرار خواستار شرکت ایران در حل مسئله بحران سوریه بشود... و اگر این روش منطقی را اما ادامه دهیم، آنها در ایجاد روابط بیشتر بهتر پیشقدم خواهند بود.

حضور آقای محمد مرسی را در اجلاس سران جنبش عدم تعهد چگونه ارزیابی می کنید؟

البته ایشان موظف بود که برای تحویل ریاست جنبش به ایران، سفری به تهران داشته باشند... اما متأسفانه نوع سفر - یعنی فقط چند ساعت -! و عدم دیدار با مقام معظم رهبری - از نظر من نوع دیگری از ناپختگی سیاسی وی در عرصه بین الملل بود... نخست وزیر بودائی هند قبل از آمدن به ایران، برای شرکت در اجلاس جنبش، شرط کرده بود که بتواند دیداری با معظم له داشته باشد... آن وقت آقای مرسی، پس از دیدار با شاه آل سعود در ریاض، آنها در سفری عجولانه و شاید غیر ضروری، به ایران می آید و آداب مرسوم در بلد را رعایت نمی کند.

یا ذکر خیر از خلفاء راشدین هم در اجلاس های بین المللی مرسوم نیست و در این اجلاس هم، با هیچ معیاری قابل سنجش نیست؟ و ظاهراً برای ارضاء برادران اهل سنت و یا نوعی اظهار تمسک به تسنن انجام گرفت و البته مورد استقبال سلفی ها در مصر قرار گرفت در حالیکه همین سلفی ها، نه

سخت حاکم بر مصر، از دوران سرهنگ عبدالناصر و سپس سرهنگ انور سادات و بعد سرهنگ حسنی مبارک، قابل توجه است...

و اصولاً باید اشاره کرد که اخوان المسلمین اغلب خواستار تغییر رژیم نبوده، بلکه خواستار اجرای احکام اسلامی از طرف حاکمیت ها بوده که البته با توجه به نوع تفکر حکام، انتظار بجائی نبوده است...

روی کردهای اخوان المسلمین درباره آرمان های انقلاب اسلامی - تشیع و ایران را توضیح دهید.

اخوان المسلمین، در کلیت خود، و تقریباً با تمام سازمان های وابسته در بلاد اسلامی، از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، استقبال نموده و حتی هیئتی مرکب از رهبری آن سازمان ها، به ایران آمدید. اخوان المسلمین دیدگاه مثبتی نسبت به شیعه و تشیع دارند و شهید شیخ حسن البنا، مؤسس و مرشد اول اخوان المسلمین مصر، از جمله افرادی بود که در تأسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه در قاهره شرکت نمود و با علمای الازهر و علماء شیعه عراق و ایران و لبنان، همکاری تنگاتنگی داشت.

البته به تدریج، با توجه به توطئه های دشمنان، در طلیعه آنها: آمریکا و اسرائیل، گرایش اخوان به ایران، کمتر شد... و مسئله سوریه در دوران حافظ اسد، و قتل عام سه هزار نفر از اهل سنت در جریان حماة و سکوت ایران در این زمینه و سپس روابط حسنه با رژیم بعثی سوریه، باعث دوری سیاسی اخوان از ایران گردید... اما در مسائل مذهبی - عقیدتی هرگز وارد اختلافات نگردید و افراد خود را اجازه نداد که در این معرکه بی ثمر دخالت کنند.

آیا دولت محمد مرسی رئیس جمهور فعلی مصر در امور اجرائی و حکومتی بر اساس اهداف اولیه اخوان قدم بر می دارد؟

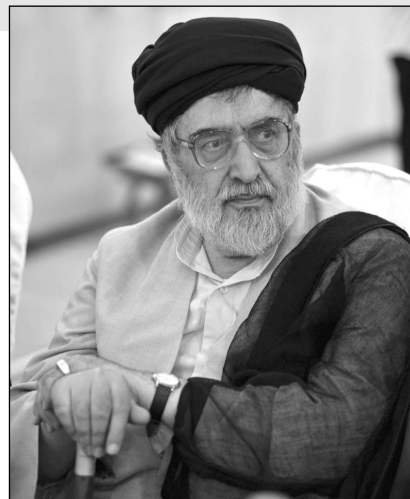
بی تردید دولت آقای محمد مرسی کوشش خواهد نمود که در حد توان و با ملاحظه شرایط کنونی مصر، در همان خط اصلی اخوان حرکت کند و به تحقق اهداف آن، بپردازد... ولی این، به آن معنی نیست که دولت فعلی، با توجه به ادامه سلطه بدنه اصلی و اعضاء حکومت قبلی، بتواند به همه اهداف خود برسد.

این روش انعطاف پذیری را در حرکت النهضه تونس هم می بینیم... آنها با سکولارها ائتلاف کردند تا بتوانند اهداف خود را به تدریج تحقق بخشند... در مصر شرایط سیاسی و تعدد احزاب قدیمی و جدید - بالغ بر ۵۰ حزب و سازمان فعال سیاسی اعم از سلفی یا سکولار، ملی گرای مذهبی - این اجازه را نمی دهد که دولت آقای مرسی بتواند به سرعت، به سراغ تحقق بخشیدن به اهداف نخستین اخوان برود...

و اصولاً باید توجه داشت که انقلاب مصر، با انقلاب اسلامی ایران تفاوت های بسیاری دارد... در ایران، نظام در کلیت خود سرنگون شد و عناصر اصلی آن از بین رفتند و یا فرار کردند... ولی در مصر وضع بدین منوال نیست... ژنرال ها هنوز هستند. احزاب چپ و سکولار فعالند. ۴۸ درصدی که به هر دلیلی در انتخابات ریاست جمهوری اخیر به ژنرال احمد شفیق رأی دادند هنوز تغییر رأی نداده اند... وضع اقتصادی مصر، با فقر ۵۰ درصدی زمینه را برای هرگونه اقدام مضادی، آماده می سازد... بنابراین باید پذیرفت که شرایط مصر با شرایط ایران اسلامی بویژه در مسئله رهبری و قاطعیت آن، تفاوت های بسیاری دارد... و این باعث می شود که دولت آقای مرسی انعطاف بیشتری از خود نشان دهد، با این باور که از اهداف نخستین اخوان صرف نظر نخواهد کرد.

روابط اخوان المسلمین با عربستان به عنوان یک کشور حامی و هابیت را چگونه ارزیابی می کنید؟

روابط اخوان با آل سعود و دولت وهابی حاکم بر جزیره العرب، روابط عقیدتی - فکری و سیاسی نیست... روابطی است که بیشتر جنبه تاکتیک دارد تا استراتژیک... حوادث منطقه و مسائل اقتصادی، دولت مرسی را مجبور می سازد که با دولت وهابی



اشاره: حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی علاوه بر تحقیق در زمینه تاریخ جنبش های اسلامی از جمله اخوان المسلمین و تألیف کتاب های متعدد در این حوزه به مدت سه سال به عنوان نماینده دیپلماتیک ایران در مصر اقامت داشته و به دلیل همین حضور و ارتباط با شخصیت های سیاسی و فرهنگی مصر، با شرایط فکری و سیاسی حاکم بر این کشور کاملاً آشناست. درباره جنبش اخوان المسلمین و شرایط مصر بعد از سقوط مبارک، با ایشان گفتگویی انجام داده ایم که در پی می آید.

مجله پنجره شماره ۱۵۷ - عباس پرورده

در حال حاضر چند گروه فکری - سیاسی را می توان در اخوان المسلمین از هم متمایز کرد و هر یک از این جریان ها مربوط به چه کشورهایی می شوند؟

به نظر می رسد که این سؤال کمی مبهم و غیر مفهوم است و البته در یک گفتگوی کوتاه هم نمی توان گروه های فکری - سیاسی متمایز از اخوان تفکیک کرد و تعداد آنها را برشمرد و یا حتی بتوان روشن ساخت که هر یک از این جریان ها مربوط به چه کشورهایی هستند... در واقع پاسخ به این سؤال کلی، نیازمند تألیف یک کتاب قطور است!

ولی بطور اشاره باید گفت که در همه کشورهای اسلامی - بویژه عربی - جریان های اخوانی متعددی وجود دارند که تحت این عنوان فعالیت می کنند ولی گروه های مهم فعال منسوب به حرکت اخوان المسلمین و هواداران اهداف آن، علاوه بر مصر عمدتاً در چند کشور عربی: سوریه، لبنان، عراق، سودان، کویت، امارات، تونس و الجزایر حضور دارند.

سازمان های سیاسی - فکری اسلام گرا در: مالزی، اندونزی، پاکستان، بنگلادش، ترکیه و غیره که اندیشه هایی مشابه افکار اخوان المسلمین مصر دارند، در واقع از لحاظ سازمانی وابسته به اخوان نیستند، بلکه تشابه در اندیشه و روش سیاسی، باعث شده که بعضی ها آنها را اخوانی می نامند که در واقع چنین نیست...

آیا می توان یک سیر تحول تاریخی به لحاظ تغییر در روی کردها و استراتژی و افکار برای اخوان المسلمین از بدو تأسیس تاکنون طرح کرد؟

بررسی سیر تحول تاریخی و یا تغییر در روی کردها و استراتژی اخوان از بدو تأسیس تاکنون!، یعنی ارزیابی هشتاد سال فعالیت، باز ظاهراً در یک گفتگو با قید اختصار، مقدور نباشد و به کتابی مفصل تر از پاسخ سؤال اول، نیاز دارد.

ولی باز بطور کلی می توان اشاره کرد که اخوان المسلمین در تاریخ هشتاد ساله خود، بویژه در مصر دچار تحول و دگرگونی بنیادین در اصول فکری خود نشده است ولی در تاکتیک ها همیشه به دنبال روش های جدیدی بوده و با توجه به شرایط زمان و اوضاع سیاسی حاکم بر کشور اقدام کرده است... اما بهر حال از آرمان ها و اهداف کلی خود، صرف نظر نکرده است، ولو اینکه به ظاهر انعطاف های خاصی را در روش و سیاست خود در نظر داشته است... و این نوع تغییر ظاهری، با توجه به شرایط

درست‌نویسی را در کلاس‌های دیکته، تمرین می‌کردیم و درست‌خوانی را در کلاس‌های فارسی. اما در کتاب‌ها و کلاس‌های دیگر کسی به املا و انشای ما کاری نداشت. اصولاً چه فرقی می‌کند که یک کلمه را با چه حرفی یا چگونه بنویسیم؟ سبب با ص همان سبب است دیگر، گیلان که نمی‌شود! یا می‌روم را اگر سرهم بنویسیم که معنای می‌آیم نمی‌دهد!

به جای این همه فکر کردن به تعداد دندانه‌ها و دعوا سر چسبانیدن یا جداکردن کلمات از یکدیگر، بهتر نیست فکری به حال این همه کلمه و جمله بیگانه بکنند و زبان فارسی را از دست آن‌ها نجات دهند؟ آن کسانی هم که ساعت‌ها می‌نشینند و لغت فارسی به جای کلمات وارداتی می‌سازند، یک نگاه به جامعه و زبان مردم بیاندازند تا ببینند چند نفر از دست‌پخت آن‌ها استفاده می‌کنند؟ آن‌هایی هم که به کار می‌برند، محض خنده و لطیفه می‌گویند و بس! این جمله‌ها و گفتگوها را مدت‌هاست که در خانواده‌ها و اجتماعات مختلف می‌گوییم و می‌شنویم و از آنجا که پاسخ قانع‌کننده و دقیقی هم نمی‌گیریم، در برابر تغییرات مقاومت می‌کنیم!

حال آن که زبان مادری، دم به دم در گفتار و نوشتار ما، زاده می‌شود و در جریان ناخودآگاهی که ذات همه زبان‌های دنیاست، به پیش می‌رود و تغییرات لازم را می‌بیند. این خاصیت زبان‌های زنده دنیاست که پویا هستند و اگر تغییر نیابند، ناکارآمد و مرده می‌شوند!

و البته که توجه این تغییرات، در میزان پذیرش و استقبال عمومی مردم بسیار مهم است و به هموار کردن زبان و پویایی و گسترش آن کمک می‌کند!

دفاع "ساکت"، سکوت را شکست!

قصه تغییر و تصحیح خط، درست‌نویسی و یکسان‌نویسی، تدوین دستور زبان فارسی و آموزش آن به غیر فارسی‌زبانان و گسترش زبان فارسی، قصه ای نیمه تمام و همه‌زمانی است که، باید نو به نو نوشته و خوانده شود. اما قصه این بار، از آنجا خبرساز شده است که استاد مرجع و نامداری در حوزه زبان و ادبیات فارسی آن‌را شروع کرده است که مدت‌هاست در سایه سکوت و خاموشی، پناه گرفته بود.

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، استاد ۷۳ ساله زبان و ادبیات فارسی، که در حوزه‌های مختلفی از جمله شاعری، نقد ادبی، پژوهش و تصحیح متون، کارنامه پرباری دارد؛ چندی پیش راهی مشهد شده بود تا در جلسه پیش‌دفاع دکتری آقای سلمان ساکت، شرکت کند. موضوع این رساله دکتری، تصحیح متن کیمیا سعادت غزالی بود و شفیعی کدکنی در مورد مسائل مختلفی سخن گفت. از جمله این که:

- در فکر جوانان، کار تصحیح، یک کار قدیمی است... اصولاً یک نوع دزدگی نسبت به سنت در ذهن جوانان ما هست که من نیز به آن‌ها حق می‌دهم و معتقدم که جوانان باید در حرکت فرهنگی جامعه ما به سمت مدرنیته حرکت کنند. اما هر نوع حرکت به سمت مدرنیته مستلزم شناخت درست از سنت است و هنگامی که با یک متن غلط روبه‌رو هستیم، نمی‌توانیم از هیچ‌کدام از علوم جدید و متجددانه ادبی در آن بهره‌جوییم.

- هیچ متنی برای ابد بی‌نیاز از تصحیح نیست و هرکسی که آمادگی دارد، می‌تواند کارهایی را که من تصحیح کرده‌ام، مجدداً تصحیح کند؛ زیرا همه متون ادب فارسی نیازمند بازتصحیح هستند. شفیعی کدکنی با بیان این که به فرهنگستان ادب اعتقاد خاصی ندارد، گفت: اما این فرهنگستان بایستی رسم‌الخط ثابتی را مانند رسم‌الخط استاد مجتبی مینوی در تحریر کلیله و دمنه وضع کند؛ زیرا این رسم‌الخط با دقت خاصی تدوین شده است. با این کار، همه می‌توانند از آن استفاده کنند و معایب رسم‌الخط فعلی از بین می‌رود.

از دبستان، یکسان خواهیم نوشت

یکی دو ماه پس از سخنان دکتر شفیعی کدکنی،

کندوکاوی در برخی مسایل زبان فارسی

رسم الخط قانون دارد

یکسان‌سازی رسم‌الخط در فرهنگستان زبان و ادب فارسی - می‌گوید: فرهنگستان زبان و ادب فارسی بزرگ‌ترین مرجع تصمیم‌گیرنده مسائل زبانی، فرهنگی و ادبی کشور به‌شمار می‌رود که موظف است معضلات و مسائل مربوط به زبان را بررسی کند و در صورت لزوم راهکارها و تدابیر مختلف را به کار بندد. یکسان‌سازی در نگارش همه متون مکتوب کشور برای ایجاد وحدت در خط فارسی، از مدت‌ها پیش در رأس برنامه‌های فرهنگستان بود، اما در این میان اختلاف نظر هم وجود داشت که باید به مرور زمان حل می‌شد.

سنگری توضیح می‌دهد: به‌طور مثال من معتقد بودم که میان آموزش زبان و دیگر مسائل آن باید تفاوت‌هایی قائل بود. دانش آموزی که قرار است آموزش زبان را در سطح مدرسه شروع کند باید به شیوه‌ای متفاوت با او برخورد کرد و برخی مسائل را به شیوه‌ای متفاوت از دیگر سطوح جامعه به او آموزش داد که موفق شدیم در برخی موارد فرهنگستان را متقاعد و مواردی را اعمال کنیم.

وی ادامه می‌دهد: کتاب‌های درسی سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بر مبنای این رسم‌الخط یکسان تنظیم شده است و به زودی این رسم‌الخط در دیگر رسانه‌های مکتوب آموزش و پرورش و از جمله کتاب‌های کمک درسی، مجله‌ها، بخشنامه‌ها و فضای مجازی مربوط به وزارت آموزش و پرورش اعمال خواهد شد.

رسم الخط، قانون دارد

رسم الخط زبان، در تشخیص دستور زبان و فهم و آموزش آن، تأثیر دارد و شیوه نگارش، صرفاً امری سلیقه‌ای و زیبایی‌پسندانه نیست.

رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، جنبه دستوری و زبانشناسانه رسم‌الخط معیار و یکسان‌را چنین توضیح می‌دهد: زبان فارسی، زبانی ترکیبی است و واژگان مرکب بسیاری دارد که اگر قرار باشد واژگان مرکب و غیرمرکب را خوب آموزش دهیم، باید قاعده‌ای مشخص کنیم تا این قضیه را نشان دهد.

به عبارت دیگر وقتی بحث شکل و محتوی و معنا، هردو مطرح است، دیگر شیوه نگارش در فهم متن دخالت می‌کند. مثلاً همین و همان با هم این و هم آن، به لحاظ صرفی و نحوی، کاملاً متفاوتند و چنانچه سرهم بنویسیم، می‌توانند قید یا صفت اشاره باشد؛ ولی وقتی جدا می‌نویسیم، برای تأیید، تأکید یا همپایگی به کار می‌روند. وند‌ها ماهیت مستقلی در زبان ندارند، پس با کلمه اصلی، سرهم می‌نویسیم، مانند بتکده.

از فرهنگستان، تقلید کنیم

دکتر وفایی، در یک جمع بندی کلی، می‌گوید: شیوه نگارش، هم تابع دستور زبان است، هم تابع زیبایی نگارش. فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز کمیته‌ای دارد که اعضای آن با همفکری و جلسات بسیار، نتیجه‌ای را قطعی می‌کنند. حالا اگر اهل نظر، پیشنهاد یا نکته‌ای در این زمینه دارند، به فرهنگستان انتقال دهند تا در جلسات خود مطرح و بررسی کنند.

از آنجا که فرهنگستان متولی صیانت از زبان فارسی است و این پراکندگی‌ها و سلاقی مختلف غیرعلمی نیز به زبان فارسی، آسیب می‌رساند، نیکوتر این است که در همه موارد، دستورالعمل یکسان فرهنگستان را به کارگیریم تا هم زیبایی نوشتار حفظ و هم جنبه‌های علمی و درست‌نویسی رعایت شود و ساخت زبان از این آفت‌ها در امان بماند. حتی شیوه آموزش زبان فارسی در خارج از کشور یا برای غیرفارسی‌زبانان نیز، باید مشخص و یکسان باشد.

شیوه‌های "من درآوردی" ستم است

آیا تا به حال رسم‌الخط چندین مجله، کتاب، روزنامه یا وبلاگ را با هم مقایسه کرده‌اید؟ هر کدام سازی می‌زنند، اما بعضی بسیار متفاوت و به عبارتی "من در آوردی" هستند. مثلاً را "مثلن" می‌نویسند و چایت را بنوش با "چای ت" تعارف می‌شود! حروف هم صدا را یکی می‌کنند و هرچه زده، ظ، ض، هست

در زُ جمع می‌کنند و از این قبیل قواعد خلق الساعه به تن جملات می‌کنند و می‌خواهند با این کار متن-شان را، ساده یا سره کنند. این جریان‌ها نو، رودخانه نیستند، اما آب باریکه‌ها و جویبارهایی هستند که اگر علمی و دقیق نباشند، به مرور، سستی و شکست در بدنه زبان ایجاد می‌کنند. از طرفی هم نباید هر تغییر و نوگرایی را بی دلیل، سرکوب کرد.

این مباحث را با استاد ادبیات فارسی و رئیس شورای گسترش زبان فارسی مطرح و نظرخواهی می‌کنیم که وی در پاسخ، با رد صریح این آشفتگی‌های غیرعلمی می‌گوید: مسائلی که اشاره کردید اگر باب شود، راه را برای تغییرات دیگری باز می‌کند که در کوتاه‌مدت، ریشه‌های ادبیات سنتی ما را خشک می‌کند. آن وقت است که نسل نو باید با ادبیات و فرهنگ قدیم ایران خداحافظی کند و دانشجویان ارتباط با ادبیات کلاسیک ایران درماند. خداحافظی هر ملتی با ادبیات کهن نیز، یعنی خداحافظی با تاریخ و فرهنگ و هویت آن ملت!

این همان بلایی است که در برخی کشورهای همسایه و آسیای میانه افتاده است.

دکتر وفایی می‌افزاید: نگارش کلمات عربی تئوین دار باید به همان شکل خودش باشد. چرا که خواننده آگاه می‌فهمد این کلمه عربی است. یقیناً، دقیقاً، اتفاقاً مانند این‌ها قید هستند و نباید سراغ فعل یا "حرف" رفت. اما بقی مسائل یادشده هم همین است.

اهل زبان می‌دانند که این نظرات و روش‌ها، علمی نیستند و از سر عافیت طلبی و منفعت طلبی برآمده‌اند و آفت زبان فارسی هستند.

زبان فارسی، همیشه فارسی می‌ماند!

هیچ کس را نمی‌شناسم که به "کراوات" بگوید "دراز آویز زینتی"، مگر به قصد خنده و لطیفه‌ها و یا به جای "فکس" بگوید "تلمبر"، مگر در نامه یا متن‌های رسمی و اداری! این خاصیت بیشتر واژگانی است که فرهنگستان زبان و ادب، پیشنهاد داده است تا زبان فارسی را از هجوم لغات بیگانه محفوظ دارد.

اگرچه بررسی این موضوع، خود حدیث مفصلی است که مجال جداگانه‌ای می‌طلبد، اما وقتی در راستای یکسان‌سازی رسم‌الخط و درست‌نویسی، بحث پاکسازی زبان فارسی با واژه‌گزینی فرهنگستان هم به میان می‌آید، استاد ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: این واژه‌گزینی اگر پیش از ورود لغات به زبان و جایگیری آن‌ها در ذهن و زبان مردم باشد، سودمند است، و الا کار بیهوده‌ای است و در زبان نیز جانمی افتد و به کار نمی‌آید!

رئیس شورای گسترش زبان فارسی نیز برخی نگرانی‌ها و دلسوزی‌های غیرفنی مردم را در خصوص درآمیختن زبان فارسی با لغات بیگانه، با این توضیح دورمی‌کند که: زبان فارسی، مثل هر زبان دیگری، تعدادی لغات وارداتی دارد و تعدادی واژگان صادراتی که نتیجه تعامل زبان‌ها و فرهنگ‌ها با یکدیگر است. منتهی قدرت زبان فارسی چنان است که لباس ایرانی و فارسی بر تن این کلمات می‌کند و سپس آن‌ها را به کار می‌برد.

یعنی "در زبان عربی فعل" است و در زبان فارسی به عنوان "حرف" به کار می‌رود! لاابالی "نیز فعلی" عربی است که در زبان فارسی، "صفت" شده است. پس جای هیچ ترسی از ورود لغات بیگانه به زبان فارسی نیست و حذف افراطی آن‌ها، موجب فقر زبان می‌شود و ضرورتی هم ندارد.

به علاوه، با نگاهی به تاریخ می‌بینیم که ایران، سالیان دراز، زیر سایه حکومت بیگانگان بوده است که بی‌شمار لغات بیگانه به تنه درخت فارسی پیوند زده‌اند، اما آنقدر این درخت ریشه‌دار بوده است که هر ثمری داده، فارسی بوده و تا امروز سبز مانده است. وی می‌گوید: به شعر و نثر معاصر نگاه کنید. چه قدر ساده و سلیس و بی‌پیرایه است. چراکه، زبان فارسی با این لغات بیگانه، غنی شده و صیقل خورده، آن‌ها را در خود حل کرده و فارسی مانده است.

منبع: روزنامه اطلاعات



در دو سال اخیر و بخصوص با وقوع جریان بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه، مجدداً در بین روشنفکران دینی بحث احیای تفکر اجتماعی دینی شکل گرفته است. این بحث از لحاظ تاریخی، قدمت فراوانی در جوامع اسلامی دارد و

شاید بتوان گفت سیدجمال‌الدین اسدآبادی احیاگر این تفکر در جوامع اسلامی بود و امام خمینی (ره) آن را به اوج منصفه ظهور رساند. روزنامه تهران امروز با حجت الاسلام و المسلمین محمدصفر جبرئیلی، محقق و عضو هیات علمی گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به بهانه انتشار اثر جدید وی با عنوان "سیری در تفکر کلامی معاصر" گفت و گویی با وی پیرامون احیای تفکر اجتماعی دینی و بیداری اسلامی انجام داده است که می‌خوانید.

احیاءگری دینی به چه معناست؟ و آیا تفکر اسلامی در نهایت به بیداری اسلامی منتهی می‌شود؟

در ابتدای کلام باید بگویم ما چیزی به نام احیاءگری دین یا اسلام نداریم؛ دین همیشه زنده است. آنچه منظور شما و بسیاری از متفکران است؛ احیای تفکر دینی در جامعه است. پس بهتر است از اصطلاح احیای تفکر دینی استفاده کنیم. متأسفانه در دوره زمانی از تمدن اسلامی، جوامع اسلامی دچار فترتی شد که باعث گردید در بعضی از زمینه‌ها دچار عقب‌افتادگی شویم. سپس افرادی در جوامع اسلامی هم چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و در کشور خودمان امام خمینی (ره) ظهور کردند که با ایده‌ای براساس مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی باعث احیاءگری تفکر دینی در جامعه شدند. در واقع احیاءگری تفکر دینی یک نوع الهیات اجتماعی است و الهیات اجتماعی دوشادوش کلام در جامعه حرکت ایجاد می‌کند.

خیلی از افرادی که جریان‌های فکری آنها را در حوزه کلام بررسی می‌شود مانند محمد عبده و سیدجمال‌الدین اسدآبادی نقش اساسی در احیاءگری تفکر اجتماعی دینی و بیداری اسلامی دارند. چرا جریان‌های کلامی توانسته‌اند نقش مهمی را در بیداری اسلامی و احیاءگری تفکر اجتماعی دینی داشته باشند؟

برای تشریح این مسئله به ذکر مثالی از کشور خودمان می‌پردازم. پیش از ایجاد حکومت صفویه در ایران الهیات اجتماعی در جهان تشیع جاری و ساری بود. مثال آن عمل موقفیت‌آمیز شیخ مفید در قرن چهارم و پنجم است؛ چون الهیات او اجتماعی است. متأسفانه بعدها بنا به عواملی مباحث الهیاتی از جامعه فاصله گرفت. از جمله دلایل این امر، پیروزی صفویان بود؛ حکومت شیعه تشکیل شده بود و حکومت، قانون می‌خواست که فقه، قانون ایجاد می‌کند. لذا ناگهان به سمت فقه رفتیم و از کلام و الهیات اجتماعی فاصله گرفتیم. از طرفی دیگر تشکیل حکومت باعث ایجاد مرز می‌شود؛ پس دور خود حصار کشیدیم. لذا دیگر مناظرات کلامی علامه حلی را با علمای سنی نداریم که باعث می‌شود خود به خود الهیات اجتماعی کمرنگ شود. کمرنگ شدن الهیات اجتماعی باعث شد تا فلسفه نیز علم خواص، چهره‌ها و شخصیت‌های اعیانی شود و دلیل اینکه فلسفه مدت‌ها در انزوا به سر برد همین است تا اینکه با تسلط قاجاریه و انتقال پایتخت، حکومت به تهران منتقل شد. در این دوران ما شاهد حضور مبلغان مسیحی هستیم. در واکنش به حضور این مبلغان و در پاسخ به شبهات آنان مجدداً بحث‌های کلامی به راه افتاد. در مدارس علمیه تهران، نجف، هند و مصر کتاب‌های خوبی نوشته شد. عبده از مصر، در

نجف مرحوم بلاغی و در ایران آقا علی نوری و بسیاری دیگر شروع به نگارش کتاب‌های کلامی در دفاع از اسلام کردند. این امر مجدداً باعث حضور الهیات اجتماعی در

جوامع اسلامی شد و سیدجمال‌الدین اسدآبادی از دل این جریان سر برآورد و ایده احیای تفکر اجتماعی جوامع اسلامی و به بیان امروزی بیداری اسلامی را مطرح کرد.

البته این جریان خود باعث ایجاد مذاهب انحرافی در جوامع اسلامی شد.

بله. وقتی مسیحیان دیدند نمی‌توانند مبانی محکم اسلام را زیر سوال ببرند، برای از بین بردن اسلام و ایجاد زمینه استعمار ممالک اسلامی شروع به مذاهب سازی و ایجاد آیین‌های انحرافی کردند. استعمار انگلیس هیچ وقت نخواسته است با اسلام سرسازگاری داشته باشد و در هر دوره تاریخی یک نقشه برای دشمنی با اسلام داشته است. مردم ما باید بدانند که اینها هیچ‌گاه خیر ما را نمی‌خواستند. استعمار انگلیس در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری و پس از شکست ایده مبلغان مذهبی خود در زیر سوال بردن مبانی اصیل اسلام، آمد و در سه جای جهان اسلام خلأ ایجاد کرد. در ایران بابت و بهائیت را درست کرد، در شبه قاره هند غلام‌احمد قادیانی یا به تعبیر شهید مطهری، قادیانیه را ایجاد کرد و در عربستان فتنه و هابیت راه انداخت. اینها را نباید دست کم بگیریم؛ اروپا قبل از انقلاب اسلامی، اسلام را با قادیانی‌ها می‌شناخت. وقتی این آیین‌های خودساخته و باطل آمدند؛ عالمان وارد شدند. کلام و به تبع آن الهیات اجتماعی ما از آن خمود و جمود درآمد. تا اینکه در دوره معاصر به شهید محمدباقر صدر و علامه طباطبایی (ره) رسید. این بزرگواران به علت اینکه بعد کلامی شان قوی تر است، نقش مهمی را در احیای تفکر اجتماعی اسلام و بیداری اسلام ایفا می‌کنند. علامه طباطبایی اصول فلسفه را می‌نویسد و شهید صدر اقتصادنا و فلسفه‌نا را نوشت. البته این دو کتاب بخش سومی به نام "مجموعه‌نا" نیز داشت که شهید صدر هیچ‌گاه آن را ننوشت. خود ایشان در مورد علت عدم نگارش این کتاب گفت که من به خاطر شرایط اجتماعی نوشتن این کتاب را رها کردم چون این شرایط هنوز به من اجازه نمی‌دهد تا من این حرف‌ها را بزنم. بعدها بعضی از شاگردان شهید صدر از آرای ایشان که در کلاس‌های درس گفته بود کتاب را با این عنوان جمع‌آوری کردند. موضوع این کتاب این است که اجتماع ما مسلمانان چگونه باید باشد و حرف‌های دین ما درباره اجتماع چیست.

آیا این ایده احیاءگری تفکر اجتماعی دین در تمامی جوامع اسلامی به صورت همزمان به وجود آمد یا تقدم و تاخر زمانی داشت؟

اعتقاد بر این است که امام خمینی (ره) به عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی آغازگر جریان بیداری اسلامی است که این انقلاب اسلامی خود نشأت گرفته از احیاءگری تفکر اجتماعی دینی است که سیدجمال‌الدین اسدآبادی کرد. البته این تفکر در جهان تشیع زودتر به ثمر نشست و باعث ایجاد انقلاب اسلامی شد. دلیل این امر نیز این است که روحانیت اهل سنت نسبت به روحانیون شیعه بیشتر حکومتی هستند و با ساختارهای حکومتی جهان تسنن یکی شده‌اند و لذا سیدجمال‌الدین در مصر دنبال روحانیت نرفت، به دنبال عامه مردم رفت ولی در جهان تشیع به دنبال مراجع و روحانیت رفت.

آیا این احیاءگری تفکر اجتماعی اسلام که از زمان سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز شد زودتر می‌توانست در جهان اسلام موج بیداری



اسلامی را پدید آورد؟

بله. ما در شبه قاره هند اقبال را داریم. اقبال چهره ارزشمندی است. واقعا اگر تفکر اقبال در جهان اسلام مطرح می‌شد بیداری اسلامی باید زودتر از اینها اتفاق می‌افتاد. منتها دشمنان به دلایل مختلف مانع مطرح شدن تفکر اقبال لاهوری شدند. آنها چهره‌های علمی ما را فقط سیاسی جلوه می‌دهند که شما و بنده دنبال تفکر آنها نرویم. افرادی چون امام خمینی (ره)، اقبال لاهوری و جمال عبدالناصر قبل از اینکه سیاستمدار باشند، متفکر هستند.

از شما به تازگی کتابی با عنوان "سیری در تفکر کلامی معاصر" منتشر شده است. در مورد این کتاب کمی توضیح دهید.

کتاب "سیری در تفکر کلامی" معاصر با هدف شناخت طلاب و دانشجویان عرصه کلام و اندیشه از جریان‌های فکری - کلامی، شخصیت‌ها و متفکران نامدار و تاثیرگذار آنها در دو قرن اخیر به نگارش درآمده است، این کتاب سعی کرده جریان‌های فکری و کلامی جهان اسلام را در دو بیست سال اخیر بررسی کند که مربوط به جهان اسلام است نه تشیع و مربوط به تمام کشورهای اسلامی است. در جهان اسلام سه منطقه از نظر فکری حرف‌هایی برای گفتن دارند و بقیه مناطق جهان اسلام تحت تاثیر این سه منطقه هستند: مصر، شبه قاره هند و ایران.

در بخش اول این کتاب، جریان‌های فکری مصر مطرح می‌شود که به تفصیل از بنیان‌گذار و شخصیت تاثیرگذار آن سیدجمال‌الدین اسدآبادی سخن گفته شده است. در ادامه، اصول فکری، آرا و دیدگاه‌های کلامی او در عرصه‌های گوناگون با استناد به مجموعه آثارش بررسی و تحلیل شده است. سپس از شاگرد نامدار و تاثیرگذارش امام محمد عبده و خدمات و حسنات و آرا و اندیشه‌های او سخن گفته شده است و با اشاره اجمالی به سیدعبدالرحمن کوکبی، از سیدمحمد رشیدرضا بحث شده و ضمن تبیین قرائن و شواهد او از تفکرگاه سلفی‌گری، برخی از دیدگاه‌های مثبت و منفی آنان در مباحث کلامی گزارش و گاه نقد شده است و در پایان بخش به روشنفکران سکولار هم چون علی‌عبدالرزاق و قاسم امین و نومعتزلی‌ها مانند حسن حنفی و عابد جابری و امین خولی و ... اشاره شده است.

بخش دوم عهده دار بحث از شبه قاره هند است که از سه فصل شخصیت‌ها، جنبش‌ها، جریان‌ها و مکاتب و مدارس تشکیل شده است. در فصل اول، از شاه ولی‌الله دهلوی، سیداحمدخان هندی و سپس با تفصیل بیشتری از آرا و اندیشه‌های علامه محمد اقبال لاهوری سخن گفته شده است. در فصل دوم، از مهم‌ترین مکاتب و مدارس مانند دیوبندی و بریلوی بحث شده است. در پایان، ضمن جمع‌بندی مباحث شبه قاره برای آشنایی مخاطب ایرانی به تعریف نه‌چندان مفصلی از آیین انحرافی و نویناد قادیانیه پرداخت شده است. در مورد جریان‌های فکری حاکم در هند باید بگویم این جریانات بسیار در جهان اسلام تاثیرگذار است. اشکال ما در این است که متأسفانه نه طلبه، نه دانشجو و نه روحانیت ما با هند آشنا نیست؛ در حالی که هند هم‌اکنون هم بسیار در جهان اسلام تاثیرگذار است.

بخش سوم مربوط به تفکر معاصر در ایران است که در سه فصل مورد بررسی قرار گرفته است. البته باید بگویم در این بخش وقتی در مورد ایران صحبت می‌کنم عراق هم مدنظرم است؛ چون حوزه‌های قم و نجف درهم تنیده است و باید حوزه نجف را هم در کنار ایران بررسی کرد.

جرج جرداق اندیشمند مسیحی:

شیعه یعنی «اخلاق»

ادامه از صفحه اول

چرا انقلاب بحرین به ثمر نرسیده است؟ چرا کشورها علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند؟ واقعا جامعه شیعه تاکنون این سوالات را از خود پرسیده است؟ آیا جامعه شیعی تاکنون از خود پرسیده است که چرا جنگ ایران و عراق هشت سال به طول انجامید؟ تمامی ستمگران از شیعه می‌ترسند.

وقتی امام خمینی، حکومت جمهوری اسلامی را تشکیل داد چرا سران استکبار علیه این حکومت ایستادند؟ هم اکنون مشاهده می‌کنید که تمامی ستمگران علیه مکتب شیعه هستند. ای کاش جامعه شیعی احساس خطر کند و دشمن خود را بشناسد.

به نظر شما نیاز فکری جامعه شیعی چیست؟
جرداق: نیاز جامعه شیعه، امام شناسی است. شیعه باید امام خود را بشناسد برای مثال آیا تاکنون (خود شما) به زیارت ائمه ی خودتان رفته اید؟ معنای (عارفاً بحقه) چیست؟ عارفاً بحقه یعنی اطاعت، شیعه اگر از امام خود اطاعت کند به بالاترین سطح می‌رسد.

سلمان، ابودر، مقداد، میثم تمار و بسیاری از این شخصیت‌ها چرا به این جایگاه رسیده‌اند؟ چرا این شخصیت‌ها برای شیعیان عزیز هستند؟ جواب این سوال‌ها همان اطاعت است.

سخن علی بن ابی‌طالب به میثم چه بود؟ امام شما به میثم گفت اگر با من باشی و از من اطاعت کنی در بهشت مقام مرا داری. پس اگر جامعه ی کنونی شیعه از امام غایب خود اطاعت کند به بالاترین مقام دست پیدا خواهد کرد.

چه شخصیت‌هایی معاصری از مذهب شیعه برای شما دوست داشتنی هستند؟

جرداق: مذهب شیعه شخصیت‌های عزیزی دارد اما در این بین دو نفر از همه برای من دوست داشتنی تر هستند. اولین شخصیت امام خمینی است. شنیده بودم که امام خمینی در هنگام زیارت علی بن ابی‌طالب بسیار ادب می‌کرد به صورتی که وی در هنگام ورود از پایین پا وارد حرم می‌شد و در همان جا می‌ایستاد و امام خود را زیارت می‌کرد. شخصیت دوم شهید صدر است. یکی از شاگردان شهید صدر برایم می‌گفت که شهید صدر آرزو داشت که خاک کف پای قنبر غلام علی بن ابی‌طالب باشد.

این دو شخصیت را بسیار دوست دارم چرا که معرفت علی بن ابی‌طالب را به خوبی نشان دادند.

غدیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جرداق: غدیر باید جهانی شود، شیعیان باید به مسأله‌ی غدیر اهمیت فراوان بدهند و اینطور نباشد که فقط در ایام غدیر به یاد غدیر باشند. غدیر سند اسلام و شیعه است.

به نظر شما دشمنان غدیر به نتیجه‌ای می‌رسند؟
جرداق: من دشمنان غدیر را همیشه جاهل و احمق می‌دانستم به راستی که همین طور است؛ دشمنان علی بن ابی‌طالب به کلی احمق هستند و احمق هم به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد.

آیا افراد گوناگون از سایر مذاهب می‌توانند به حقانیت غدیر برسند؟

جرداق: بله، افراد گوناگون می‌توانند به مذهب شیعه برسند و از نظر من راه رسیدن به غدیر از کربلاست، راه رسیدن به مذهب شیعه، عاشورا است. کسانی که سرشت پاکي دارند یقیناً با مطالعه‌ی مصیبت کربلا به غدیر می‌رسند.

استاد از شما می‌خواهم از خود سوالی پرسید و پاسخ خود را بدهید؟

جرداق: چرا علی بن ابی‌طالب در تمامی زمان‌ها مظلوم است؟ جواب سوال من اشک است.

پایه آیت الله تسخیری به مناسبت

در گذشت علامه قاضی حسین احمد

آیت الله تسخیری، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به مناسبت درگذشت علامه قاضی حسین احمد، امیر سابق جماعت اسلامی پاکستان، بیانیه‌ای صادر کرد.

متن بیانیه آیت الله تسخیری بدین شرح است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ
عَلِیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَقِرُ
درگذشت علامه مجاهد قاضی حسین احمد، امیر

سابق جماعت اسلامی پاکستان، ضایعه اسفناکی برای برادران و خواهران مسلمان در پاکستان و رهپویان راه وحدت اسلامی و تقریب مذاهب در منطقه بود.

قاضی حسین احمد از رهبران معتقد به وحدت اسلامی و از پشتیبانان سخت کوش انقلاب مقدس اسلامی ایران و حرکت بیداری اسلامی در سراسر جهان بود.

این مرد بزرگ از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب با امام راحل عظیم الشان و پیروان آن حضرت در ایران، عراق و شبه قاره در ارتباط بود و خود در مسیر اسلام سیاسی و پیاده کردن آن در جوامع اسلامی تلاش می‌کرد.

مردی مؤمن، بانفوذ، پرتحرک، با اخلاص و انگیزه دینی بود که ارتحال او ثلمه‌ای در سرزمین پاکستان و بیداری اسلامی منطقه به شمار می‌رود. عضویت او در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و شرکت و سخنرانی مکرر در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی نشان از ایمان قلبی او به تقریب مذاهب و احساس مسئولیت او به سرنوشت امت اسلام داشت.

اینجانب با تقدیر از یک عمر مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر این مرد بزرگ درگذشت تأسف بار او را به خانواده گرامی، ملت بزرگ پاکستان و دوستان و ارادتمندان در ایران، منطقه و جهان اسلام تسلیت گفته، امیدوارم برادران و خواهران ما در حزب جماعت اسلامی پاکستان ادامه دهنده راه وحدت گرایانه و انقلابی او باشند.

از خداوند متعال رحمت و آمرزش واسعه برای آن مرحوم و صبر جمیل و اجر جزیل برای خانواده محترم مخصوصاً فرزندان عزیزش مسئلت می‌نمایم.

تاکید دکتر صالحی و شیخ الازهر

بر وحدت اسلامی

تلاش در جهت وحدت اسلامی و پرهیز از تفرقه در دیدار دکتر علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه و احمد طیب شیخ الازهر مورد تاکید قرار گرفت.

در این دیدار که در قاهره صورت گرفت دکتر صالحی سلام علمای کشورمان را به شیخ الازهر ابلاغ کرد.

وی با تبریک پیروزی انقلاب مردم مصر، آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای در اختیار قرار دادن تجربیات خود به ملت و کشور مصر را اعلام داشت. دکتر صالحی بحث اختلاف شیعه و سنی را فتنه و توطئه دشمنان اسلام خواند و ضرورت تکیه بر مشترکات و پرهیز از اختلافات را خاطر نشان ساخت. وی با اشاره به اهمیت دیدارهای متقابل علمای مصر با همتایان ایرانی خود، از شیخ الازهر برای دیدار از ایران و مشاهده همزیستی مسالمت آمیز شیعیان و اهل سنت از نزدیک، دعوت بعمل آورد.

شیخ الازهر نیز در این دیدار به تلاشهای الازهر برای تقریب مذاهب اشاره کرد و توجه ویژه به این مسئله را مورد تاکید قرار داد. احمد الطیب مهمترین هدف الازهر را وحدت اسلامی و ایجاد اتحاد بین مسلمین توصیف کرد. شیخ الازهر با اشاره به جایگاه اهل بیت(ع) نزد اهل سنت، اختلاف و تفرقه را دسیسه دشمنان اسلام خواند و افزود: نباید اجازه دهیم چنین جریاناتی به اهداف خود نائل شود. در این دیدار حمایت از فلسطین نیز مورد توجه قرار گرفت.

«قاضی حسین احمد»؛ از «جماعت اسلامی» تا وحدت اسلامی



فارس: بیش از دو دهه، حزب ریشه دار «جماعت اسلامی» مهمترین بستر اسلامگرایی قاضی حسین احمد بود وی پس از آن با تأکید بر ارزش‌ها و باورهای مشترک اسلامی، برای اتحاد و همگرایی جریان‌های مختلف اسلامی، تلاش زیادی کرد.

قاضی حسین احمد در ۱۷ دی در سن ۷۴ سالگی در پیشاور درگذشت. وی یکی از علمای دینی و سیاستمداران برجسته شبه قاره هند و فراتر از آن جهان اسلام بود.

وی بعد از «سید ابوالاعلی مودودی» و «میان طفیل محمد» سومین و برجسته‌ترین رهبر جماعت اسلامی بود که در مقطعی که منطقه در شرایط حساس و پرتنش به سر می‌برد، در مصدر مسئولیت قرار داشت. در ادامه به برخی از وجوه و ابعاد شخصیتی و عملکردی او اشاره می‌شود.

۱- عالم سیاسی و سیاست مذهبی

قاضی حسین احمد در سال ۱۹۷۰م به عضویت جماعت اسلامی درآمد و در ۱۹۷۸م وارد شورای رهبری این حزب شد. «جماعت اسلامی پاکستان» مهم‌ترین حزب اسلامگرا و البته میانه رو در پاکستان است که در سال ۱۹۴۱م در لاهور تاسیس شد. ورود مرحوم قاضی حسین احمد به سیاست و مذهب نیز از دریچه این حزب صورت گرفت.

لذا پس از آن وی در سطح ملی، به عنوان یک جریان میانه رو، به فعالیت‌های خود ادامه داد و منادی اسلامیزه کردن نظام سیاسی حاکم بوده و در سطوح فراملی نیز پرچمدار حمایت از جنبش‌های اسلامی و تحریکات اسلامگرایان در منطقه و جهان اسلام بوده است.

جماعت اسلامی پاکستان، در زمان جهاد افغانستان علیه اشغال شوروی سابق، با احزاب مختلف جهادی از جمله «جمعیت اسلامی ارتباط قوی داشته و حمایت سیاسی و مالی از آنها داشته است. قاضی حسین احمد، در مقام رهبری این حزب پس از پیروزی مجاهدین در افغانستان، با سران مجاهدین و دولت اسلامی به رهبری مرحوم استاد ربانی روابط نزدیک و مؤثر داشت.

با توجه به سابقه تأثیرگذار و مثبت مرحوم «حسین احمد» به عنوان یکی از نجیبگان و فعالان برجسته مذهبی در مجموعه تحولات سیاسی اسلامی، بدون تردید فقدان ایشان، در کوتاه مدت آثار و نتایج منفی بر جریان اسلام سیاسی میانه رو در پاکستان و منطقه خواهد داشت.

این تأثیر منفی، احتمالاً در دو وجه نظریه پردازی و تئوریزه کردن وجوه مختلف اسلام سیاسی میانه رو در تقابل با افراط گرایی خشونت محور و ارائه الگوی رفتاری معتدل و اتحادگرا در جهان اسلام بروز خواهد کرد. زیرا قاضی حسین احمد در این زمینه‌ها یکی از سرآمدان عصر خویش بوده است.

۲- جایگاه بین‌المللی و منادی اتحاد اسلامی

قاضی حسین احمد که فعالیت خود را از یک تشکل سیاسی- مذهبی ریشه دار و بین‌المللی اسلامی، آغاز کرد و تا چند دهه ادامه داد، به درستی در سال‌های پایانی عمر، دغدغه اصلی اش را یکپارچگی و همگرایی مسلمانان می‌دانست. در واقع او تمامی مساعی خویش را صرف وحدت امت اسلامی نمود و با تندروی، افراطی‌گری و تحجر که عامل اصلی انشقاق مسلمین است، مخالف بود.

وی بارها به افغانستان سفر کرد و آمادگی خود را برای میانجیگری و تلاش برای صلح در این کشور اعلام کرد. او در این راستا، مخالف حضور نیروهای آمریکا در منطقه بود و همچنین از خشونت ورزی برخی گروه‌ها به نام اسلام و مسلمان، دل خوشی نداشت.

قاضی حسین احمد علاوه بر آراء و نظریات مذهبی، ایده‌های سیاسی و روابط بین‌المللی سازنده‌ای نیز داشت. او همواره به حمایت از آرمان

فلسطین تأکید داشت و نسبت به اهداف مخرب آمریکا در منطقه نگران بود. لذا در یکی از مواضعش تصریح می‌کند که: «پیش از آن که آمریکا کشورهای پاکستان، چین و ایران را قربانی منافع اقتصادی و سیاسی خود سازد، باید این کشورها به حیث یک «بلوک قدرت منطقه‌ای» در مقابل سیاست‌های آمریکا، ایستادگی کنند.» به باور ایشان، آمریکا در افغانستان نیز اهداف شوم اقتصادی، نظامی و سیاسی را پیگیری می‌کند. لذا حاضر نخواهد شد افغانستان را رها کند.

رهبر سابق جماعت اسلامی پاکستان در موضوع رفتارهای اعتقادی و سیاسی مسلمانان بر نکات و محورهای حساس و تعیین کننده تأکید می‌کند. به باور وی «مسلمانان به جای این که روحیه شهادت طلبی را علیه یکدیگر استفاده کنند باید علیه دشمنان استفاده کنند.» از این منظر، او اصرار دارد که «تبلیغ مذهب و فرقه بر هیچ مسلمانی جایز نیست بلکه تبلیغ بندگی خداوند و توحید لازم و واجب است.» وی معتقد بود اشتراکات ما بسیار بیشتر از تفاوت هاست و دشمن نیز منتظر است تا از کوچکترین اختلاف برای ضربه به مسلمانان بهره گیرد.

پس از این مواضع روشنگرانه بود که قاضی حسین احمد، در آخر آبان ۱۳۹۱، در مناطق شمال غربی پاکستان مورد حمله انتحاری قرار گرفت اما جان سالم به در برد. از منظر سیاسی، این گونه ترورها غالباً با اهداف چندجانبه انجام می‌شود و در آن عمدتاً افرادی مورد حمله قرار می‌گیرند که در بسیج مردمی و ایجاد جریان‌های فراگیر مؤثرند.

ماهیت فراگیر عملکردهای قاضی حسین احمد، در تأکید و ترویج ارزش‌ها و اصول مشترک اسلامی، وی را به شأن و مرتبه‌ای رساند که به درستی به یک شخصیت مذهبی و سیاسی فراگروهی و فراملی تبدیل کرد. از این رو او به عنوان یک فرد بانفوذ و مقبول خواص و عوام در اغلب کشورهای اسلامی شناخته می‌شد.

۳- ایده پردازی پیرامون تحولات اسلام

سیاسی معاصر

قاضی حسین احمد به عنوان یکی از صاحب‌نظران برجسته اسلامی، در خصوص یکی از مهمترین پدیده‌های اسلام سیاسی معاصر یعنی «بیداری اسلامی»، آراء و نظرات قابل تأملی ارائه کرده است. از نظر ایشان «بیدار اسلامی»، استمرار داشته و نتایج مطلوبی در این راستا به دست خواهد آمد. لذا می‌توان آن را یک فرایند تدریجی و پرثمر تلقی کرد.

در رابطه با ساختار سازی و نظام سازی برآمده از «بیداری اسلامی»، نیز ایده‌های او می‌تواند راهگشا باشد؛ وی با رد باورهای سکولار، ایجاد حکومت

اسلامی را «سنت پیامبر اکرم (ص) می‌دانست و موفقیت مسلمانان را مستلزم پیمودن راه پیامبر اکرم (ص) در ایجاد نظام حکومتی می‌دانست.

این عضو مجمع بیداری اسلامی، در برخی اظهارات خود بیداری امت اسلامی را تنها راه حل مشکلات جهان اسلام دانست و معتقد بود بیداری اسلامی امروز اشتراکات فرقه‌های گوناگون اسلامی را به هم نزدیک کرده که این خود فرصتی تاریخی برای حل مشکلات میان مسلمانان است.

قاضی حسین احمد به منظور تثبیت و نهادینه کردن دستاوردهای بیداری اسلامی، بر نهادسازی مردمی اهتمام وافری داشت. در این راستا، او پیشنهاد می‌کند: «یک شورای راهبردی مستقل بدون تکیه بر دولت‌ها ایجاد شود.» در همین زمان دبیرخانه دائمی بیداری اسلامی در تهران تأسیس و ایشان یکی از اعضای فعال آن محسوب می‌شد. همچنین از او به عنوان عضو اصلی و برجسته شورای مرکزی مجمع جهانی بیداری اسلامی یاد می‌شود.

۴- نهادسازی سیاسی و مذهبی

روش فکری و منش رفتاری قاضی حسین احمد، ایجاد می‌کرد وی به منظور تحکیم و عینیت بخشیدن به آراء برجسته خود، آنها را در قالب نهادها و تشکل‌های مردمی و فراگیر سازماندهی کند. در این مسیر، او در پاکستان تشکیلاتی را سازماندهی کرد که بر اساس آن مذاهب اسلامی در آن گردهم می‌آیند و نظرات خود را بیان می‌کنند. زیرا وی این امر را برای ایجاد وحدت حداکثری میان مسلمین و پرهیز از تفرقه و فرقه‌گرایی مهم می‌دانست.

برای تحقق این مهم وی در طی سال‌ها تلاش و مجاهدت در سال ۲۰۰۲م نسبت به تشکیل مجلس «وحدت متحده عمل» متشکل از احزاب مذهبی مختلف شیعی و سنی اهتمام ورزید.

قاضی حسین احمد در این راستا در آخرین سال عمر خود، بیش از ۳۰ حزب و گروه مذهبی میانه رو پاکستان را در دوم خرداد ۱۳۹۱ (می ۲۰۱۲م) در جلسه‌ای که در اسلام آباد میان علمای شیعه و سنی برگزار شد، گرد هم آورد و آنها موافقت خود را برای ایجاد «شورای همبستگی ملی» اعلام کرده و قاضی حسین احمد به عنوان رئیس این شورا، انتخاب شد.

شورای همبستگی ملی با اساسنامه ۲۲ بندی کار خود را شروع کرد، که برقراری سیستم اسلامی در کشور نیز از اهداف ذکر شده در این اساسنامه می‌باشد. اهداف این شورا پایان دادن به خشونت‌های فرقه‌ای و کاهش دشمنی و عداوت در میان اجتماعات گوناگون در این کشور عنوان شده است.

جایگاه خاص مشهد الرضا در بین اهل سنت

احساس می‌کنند، در آنجا به برکت زیارت آن امام همام آن خلأ را پر کنند.

وی خاطر نشان کرد: کسانی را از نزدیک می‌شناسم که به حضرت امام رضا(ع) متوسل شده و شفا یافته‌اند و یا دارای فرزند و زندگی شده‌اند و اینها کسانی هستند که برکات زندگی خود و برکات معنوی خود را از حضرت امام رضا(ع) می‌دانند.

روحانی اهل سنت مانه و سملقان با اشاره به خصوصیات اخلاقی آن امام بزرگوار، اضافه کرد: خصوصیات اخلاقی و زهد و تقوای آن حضرت به گونه‌ای بود که حتی دشمنان خویش را نیز شیفته و مجذوب خود کرده بود، با مردم در نهایت ادب، تواضع و مهربانی رفتار می‌کرد و هیچ‌گاه خود را از مردم جدا نمی‌کرد.

آخوند خوش نظر، همچنین به اهمیت حفظ وحدت در برهه‌ی کنونی نیز اشاره کرد و اظهار داشت: امروز مسلمانان جهان باید بدانند که موج بیداری اسلامی و خیزش اسلامی جهان اسلام را فرار گرفته و این یکی از برکات وحدت بین آنها بوده است، که گسترش وحدت در آینده‌ای نه چندان دور تمامی اهریمنان و مستکبران را به هلاکت خواهند رساند.

مدیر حوزه علمیه ربانیه اهل سنت تازه یاب شهرستان مانه و سملقان(خراسان شمالی)گفت: مشهد الرضا از جایگاه بسیار خاصی در بین اهل سنت برخوردار است.

به گزارش (تتا)، آخوند عبدالله خوش نظر اظهار داشت: ترکمن‌های این منطقه بارگاه امام رضا (ع) را به جهت داشتن گنبدی طلایی و به منظور تکریم شخصیت والای ایشان «فیزیل امام» (یعنی امام طلایی) می‌نامند.

وی افزود: کشاورزان این منطقه از دیر باز تاکنون، اولین کاری که می‌کنند مقداری از آن محصولات را کنار می‌گذارند و با خانواده به زیارت امام رضا مشرف می‌شوند که این کار نشان از ادب و احترام فراوان اهل سنت نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است.

آخوند خوش نظر بیان داشت: مردم این منطقه وقتی کمترین پولی به دستشان می‌رسد، اولین فکری که به ذهنشان می‌رسد این است که به زیارت حضرت امام رضا و به مشهد الرضا تشریف ببرند، و آنچه از خلأ معنوی و کمبود معنوی که در خودشان

وهاپیون حاضر به مناظره با علمای شیعه نیستند

حضرت آیت الله جعفر سبحانی در دیدار امام جمعه ایران شهر در سخنانی با بیان اینکه در مقابل جبهه حق همواره جبهه باطل جولان می دهد، اظهار داشت: اینگونه نیست که مسیر حق بدون ناهمواری و مشکل باشد که تاریخ انبیاء و اولیا این امر را به اثبات می رساند. وی گفت: همه دشمنی ها را نباید به ضرر خود متصور شد، چرا که برخی از دشمنی ها سبب کمال و رشد ما می شود.

استاد برجسته حوزه عنوان کرد: باید از همان روش هایی که دشمنان مکتب اهل بیت (ع) برای بلیغ افکار منحرف خود استفاده می کنند بهره برد و اگر آنها از دوران کودکی و نوجوانی روی فرزندان کار می کنند ما نیز باید در این مسیر فعالیت کنیم و فرزندانمان را از دوران کودکی با معارف قران و مکتب اسلام آشنا کنیم. وی با بیان اینکه امروز شبهات بسیاری از سوی وهابیت و سلفی ها در بین جوانان اشته می شود، افزود: تمامی این شبهات توسط ما و علمای دیگر پاسخ داده شده است که باید کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده را تهیه و آنها را برای جوانان بازگو کرد.

حضرت آیت الله سبحانی ابراز داشت: بنده به پیشنهاد دفتر تبلیغات اسلامی عقاید وهابیت را در ۲۵ جلسه مطرح کردم که این جلسات در قالب سی دی آماده شده و این مطالب برای آشنایی بیشتر جوانان به خصوص در مناطقی که وهابیت و سلفی ها فعالیت می کنند بسیار سودمند است.

وی با بیان اینکه در مقابل شبهات وهابیت باید فضائل ائمه معصومین (ع) را برای مردم بازگو و بر روی آن تکیه کرد، افزود: باید در دانشگاه های جنوب کشور برنامه های جدی داشت و در جلساتی به شبهات و آنان پاسخ گفت.

این مرجع تقلید تصریح کرد: منطق شیعه، منطق بسیار روشنی است و وهابیون حاضر به مناظره با علمای شیعه نیستند و اگر محکوم شوند از مسیر خود باز نمی گردند.

تندروها بدنبال از بین بردن اتحاد شیعه و سنی هستند

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی دیدار امام جمعه ایران شهر اظهار داشت: این منطقه بسیار حساس است و کسانی که در این مناطق خدمت می کنند کارشان قابل تقدیر و مقدس است.

وی با بیان اینکه بنده سالهایی را در چابهار تبعید بوده و با مردم این منطقه آشنایی دارم افزود: باید سرمایه گذاری شود تا ترکیب جمعیتی در این شهر بهم نخورد و اتحاد و انسجام بین شیعه و سنی برقرار باشد.

استاد برجسته حوزه ادامه داد: افراد تندرو از هر دو طرف تمایل دارند تا انسجام و اتحاد بین شیعه و سنی را بهم بزنند و دلسوزان از جمله امام جمعه این شهر باید از وقوع چنین امری جلوگیری کنند چرا که ما همواره از افراد تند رو آسیب های فراوانی دیده ایم.

وی بر ارتباط دوطرفه میان شیعیان و اهل سنت در منطقه ایران شهر تأکید کرد و گفت: اهل بیت (ع) اجازه شرکت شیعیان در نماز جماعت و نیز سایر مراسم آنها را به ما داده اند اما این ارتباط باید از سوی اهل تسنن نیز وجود داشته باشد.

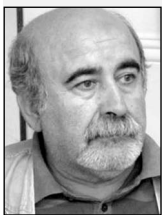
حضرت آیت الله مکارم در ادامه بر تقویت حوزه علمیه در ایران شهر تأکید کرد و افزود: حوزه علمیه به عنوان سرمایه ای در این شهر به شمار می رود که باید برنامه ریزی شود تا مقاطع تحصیلی بالا در این حوزه ها دایر تا طلاب و حوزویان بتوانند با کسب علوم اسلامی پاسخگوی نیازهای مردم باشند.

وی تأکید کرد: در هر کجا حوزه علمیه وجود دارد مردم آن منطقه تا حد زیادی بیمه هستند و مناطقی که فاقد حوزه علمیه هستند خطرات اعتقادی در کمین آنها بوده و آنان را تهدید می کند.

این مرجع تقلید ادامه داد: حوزه های علمیه باید در راستای شناسایی شبهات دشمنان به روز باشند تا بتوانند از مکتب تشیع دفاعی مودبانه، توأم با تحقیق و منطق انجام دهند.

آیت الله اراکی:

شاهرخ اورامی زندگی خود را در مسیر تقریب مذاهب و نشر محبت به اهل بیت (ع) وقف نمود



آیت الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پیامی به مناسبت درگذشت شاعر اهل بیت (ع) و از فرهیختگان اهل سنت، تأکید کرد: شاهرخ اورامی زندگی خود را در مسیر تقریب

مذاهب و نشر محبت به اهل بیت (ع) وقف نمود. متن پیام آیت الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پی ارتحال شاهرخ اورامی شاعر اهل بیت (ع) به شرح زیر است:

فاما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم و یزیدهم من فضله

در نهایت تأثر و تالم خبر ارتحال شاعر اهل بیت (ع) و منادی تقریب مرحوم حاج شاهرخ اورامی از فرهیختگان اهل سنت استان کردستان که زندگی خود را خالصانه در مسیر تقریب مذاهب و نشر محبت به اهل بیت (ع) وقف نموده بود، مایه اندوه فراوان گردید.

آثار گرانقدرش مجموعه های شعری شعاع مهر حسین (ع)، تولای علی (ع) در فرهنگ کردهای اهل سنت، تولای حسین (ع) در ادب اهل تسنن و مهر رضوی در آیین ادبای کرد نشانگر عشق سرشار وی به اهل بیت (ع) است.

اینجانب این ضایعه ناگوار را صمیمانه به مردم متدین استان کردستان تسلیت گفته و از خداوند متعال مسألت دارم آن فقید سعید را مشمول رحمت و اوسعاهش گرداند و به بازماندگان، دوستان و خانواده محترم وی صبر و شکیبایی عنایت فرماید. گفتنی است ایشان اشعار تغزی در مدح اهل بیت پیامبر (ص) سروده و عمر پربرکت خود را در خدمت خاندان پیامبر سپری نمود.

مرحوم اورامی کتب گرانبازی از خود به جای گذاشته که شعاع مهر حسین (ع)، تولی علی در فرهنگ کردهای اهل سنت، دیوان شعر کرد فاطمی و علوی، تولی حسین در ادب اهل سنت، مهر رضوی در آینه ادبای کرد از جمله این آثار است. لازم به ذکر است مرحوم اورامی از فرهیختگان اهل سنت شافعی بوده و در جشنواره رضوی به عنوان خادم افتخاری استان قدس رضوی انتخاب شد.

× استاد شاهرخ اورامی در تاریخ ۱۳۳۲/۱/۶ متولد شد؛ وی مدرس ادبیات و بازنشسته آموزش و پرورش بود.

بخشی از آثار وی عبارتند از:

۱- تولای علی (ع) در فرهنگ کرد (اهل سنت)
 ۲- تو را من دوست دارم را چه کردی؟ مجموعه شعر فارسی - انتشارات تیرگان تهران ۱۳۷۹
 ۳- دیوان شعر کردی (هیشتا هه ره م) هنوز هم هستم
 ۴- پالنگان الماس سبز اورامان * مجموعه شعر کردی و فارسی
 ۵- شعاع مهر حسین (ع) در ادب اهل سنت
 ۶- عاشق خوابیه کس نزان * دیوان شعر آئینی
 ۷- تولای حسین (ع) در ادبیات اهل تسنن کردستان
 ۸- له گول پرسیم یا محمد نشر آل احمد تهران
 با حمایت حوزه هنری کردستان ۱۳۹۰
 ۹- اشعار کاست دوری * با آهنگ های استاد
 ۱۰- اشعار کاست * شلیره * گروه کامکاران

معاونت بین الملل حوزه علمیه قم:

در سایه وحدت بین مذاهب می توان اندیشه تمدن ساز اسلامی را به کشورهای جهان صادر کرد

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن زمانی، در مراسم گرامیداشت شهدای انفجارهای تروریستی اخیر کویته پاکستان که در مسجد مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) قم برگزار شد، با اشاره به دسیسه های دشمنان در ایجاد این حادثه، افزود: این فتنه ریشه در دشمنی طالبان و القاعده دارد؛ این جریان ها در صدد ایجاد فتنه بین مسلمانان پاکستان هستند.

سنت می تواند با حفظ عقاید خود از معارف ناب اهل بیت (ع) نیز استفاده کنند. زمانی با اشاره به این که بنا به تأکید قرآن، راز پیروزی، استقامت و صبر است، تأکید کرد: مفهوم این آیات از قرآن کریم این است که نباید از شهادت هراسید و اگر جان و مال خود را وقف اسلام کنیم، می توانیم پیروز باشیم.



معاون بین الملل حوزه های علمیه با بیان این که وحدت کنونی مسلمانان پاکستان حاصل دو دهه تلاش علمای این کشور است، ادامه داد: علمای پاکستان در مدت دو دهه توانستند صلح و دوستی بین مذاهب در این کشور را به ارمغان آورند. وی با اشاره به دستاوردهای اتحاد علمای پاکستان، بیان کرد: افزایش سطح فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز شیعه و اهل سنت پاکستان، آگاه کردن مردم از اندیشه ها و معارف ناب اهل بیت (ع) و برخورد با جریان شیعه ستیزی در پاکستان، از دستاوردهای تشکیل این جمعیت به شمار می رود.

معاون بین الملل حوزه های علمیه تأکید کرد: خون هزاران شهدای پاکستان، ثابت کرد که دشمنان نمی توانند همت و عقیده مسلمانان را سست کنند. حجت الاسلام والمسلمین زمانی با تأکید بر تقویت وحدت مذاهب اسلامی، ابراز داشت: معتقدیم که مسلمانان همه نقاط جهان، باید از هرگونه اقدام شتابزده و افراطی پرهیز کنند، چون در فضای سالم می توانند گفتن بین مذاهب را انجام دهند.

وی با عنوان این که جریان های افراطی زودگذر هستند، گفت: آنچه باقی می ماند، وحدت بین مسلمین است و در سایه این اتحاد می توان اندیشه تمدن ساز اسلامی را به کشورهای جهان صادر کرد.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی، با بیان این که اتحاد علمای پاکستان در سایه تفکر بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) شکل گرفت، اضافه کرد: هدف ما صدور اسلام و آرمان های انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای جهان است و این هدفی است که دشمن از آن در می هراسد.

وی با تأکید بر لزوم حفظ وحدت مسلمانان پاکستان، ادامه داد: اعتقاد ما بر این است که اهل

وی با اشاره به حضور پررنگ اهل تسنن پاکستان در کنار شیعیان برای محکومیت این اقدام تروریستی، خاطر نشان کرد: رهبر جماعت اسلامی و دیگر رهبران اهل سنت این کشور در تظاهرات های محکومیت این اقدام ننگین شرکت کردند و با خانواده های قربانیان اظهار همدردی نمودند.

زمانی به اظهارات رئیس حزب جماعت اسلامی پاکستان اشاره کرد و افزود: سید منور حسن در اظهاراتی در تظاهرات مردم لاهور اعلام کرد که شیعیان و اهل سنت یک پیکر هستند و درد مشترکی دارند؛ جانشین او نیز که به عنوان سخنران رسمی این تظاهرات محسوب می شد، روز شهادت شیعیان را روز عزای اهل سنت پاکستان عنوان کرد.

جهانگیر الماسی، بازیگر سینما و تلویزیون در گفت و گو با ایکنادرباره اهدافی که پشت سر ساخت فیلمی که قرار است به صورت مشترک با سرمایه کویت و همکاری هالیوود با محوریت حضرت رسول (ص) ساخته شود، اظهار کرد: اگر این علقه و گرایش برای ساخت فیلم های دینی - تاریخی بر پایه تدین صرف بود، عملی قابل اعتنا و احترام به حساب می آمد، در صورتی که در عالم واقع چنین نیست؛ چرا که در این صورت ساخت این کارها را به جوانان و سینماگران خود می سپردند تا پول و سرمایه داخلی خود را به حساب غربی ها واریز نکنند.

وی افزود: به اعتقاد من هدف از ساخت تولیدات تاریخی - دینی در برخی کشورهای عربی این است که حریم هایی که در بین شیعیان قابل احترام است را از بین ببرند؛ حریم هایی که مورد احترام اه نیز است.

مخدوش کردن حریم مقدس شیعیان؛ هدف ساخت برخی آثار تاریخی در کشورهای عربی

این بازیگر اضافه کرد: در ضمن همکاری پیتز جکسون با این پروژه سینمایی نشان می دهد که آنها قصد تحریف تاریخ اسلام را دارند، زیرا این فیلمساز تخصص بالایی در رویاپردازی و هنر آلود دارد.

الماسی ادامه داد: نکته دیگر اینکه در هیچ جای دنیا نباید دین ابزار سیاسی در دست افراد باشد، البته اسلام دینی سیاسی است، اما ابزار سیاسی نیست، چرا که اگر غیر از این باشد دین در دست افرادی یا اقشار خاص خواهد بود که از آن تفاسیر شخصی و سلیقه ای خواهند کرد.

بازیگر فیلم سینمایی آوار در پاسخ به این سؤال که ممکن است سازندگان این گونه آثار ادعا کنند این دسته تولیدات روایتی از تاریخ است بر مبنای تفسیر خودشان، گفت: در کشورمان اهل سنت با آرامش در کنار شیعیان زندگی می کنند، به همین دلیل نمی توان سریال های ایرانی را هم ردیف تولیدات مغرضانه ای

که در برخی کشورها ساخته می شود، محسوب کرد. این بازیگر تأکید کرد: دلیل دیگر در منصفانه بودن سریال های تاریخی که از صدر اسلام به روایت ما ساخته می شود، همین بس که ما در سریال امام علی (ع) از چهره نگاری شخصیت اهل تسنن پرهیز کردیم، ولی آنها با تصویر کشیدن چهره امامان معصوم به احساسات شیعیان صدمه زدند.

وی در پایان با بیان اینکه پخش دوبله سریال هایی چون عمر فاروق نشانگر این است که سازندگان این دسته تولیدات در پی خط شکنی هستند خاطر نشان کرد: متأسفانه دوبله فارسی این دسته آثار نشان می دهد که این دسته آثار توانسته مخاطب کسب کند، پس لازم است برنامه سازان تلویزیون با آگاهی و درایت کارهایی تولید کنند تا جلوی تفرقه افکنی این دسته آثار را بگیرند.

بازیگر فیلم سینمایی آوار در پاسخ به این سؤال که ممکن است سازندگان این گونه آثار ادعا کنند این دسته تولیدات روایتی از تاریخ است بر مبنای تفسیر خودشان، گفت: در کشورمان اهل سنت با آرامش در کنار شیعیان زندگی می کنند، به همین دلیل نمی توان سریال های ایرانی را هم ردیف تولیدات مغرضانه ای

معرفی کتاب پرتوی از عظمت

امام حسین (علیه السلام)

مؤلف: حضرت آیت الله

صافی گلپایگانی

نویس: چاپ: دوم

ناشر: مرکز تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی

ویژگی های کتاب:

۱- موضوع کتاب، درباره چهره درخشان تاریخ بشریت، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است که کرامت و عزت انسانی و اماندار اوست.

۲- در تمام کتاب هایی که در تاریخ اسلام و فضایل اهل بیت علیهم السلام و احوال صحابه تألیف گردیده، از این واقعه جانسوز یاد شده است که بیشتر این کتاب ها به متن حادثه و نقل صورت وقایع پرداخته اند اما راجع به فلسفه آن به طور مستقیم وارد نشده اند.

در زمان ما، بیشتر، افکار روی تحلیل حوادث و علل و نتایج وقایع حساب می نمایند و عظمت حوادث تاریخی را از این راه اندازه گیری می کنند و کتاب هایی که موضوع آن تحلیل حوادث تاریخی باشد برایشان جالب تر و بیشتر مورد توجه خوانندگان و نسل جوان و روشنفکران واقع می شود. در عین حال، اهمیت کتاب هایی که متن حوادث را نگه داشته اند در نزد ما محفوظ است؛ زیرا آن کتاب ها، هم مبدأ و اساس تحقیق و فحص متفکرین و محققین است و هم نقل صورت و ظواهر حوادث کربلا حاکی از حقیقت مظلومیت امام علیه السلام و نموداری از اسرار و فلسفه شهادت است.

این کتاب، متضمن مطالبی از فضایل حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تاریخ اسلام در آن زمان و نیز پاره ای از علل و نتایج واقعه کربلا می باشد که به صورت تحقیقی و تحلیلی به رشته تحریر درآمده است. ۳- از ویژگی های مهم کتاب، قلم ساده آن است که علی رغم انتقال مطالب علمی و تحلیلی، مخاطب را از هر طبقه فکری و سطح سواد که برخوردار باشد با اندک مایه علمی، بهره مند می سازد.

۴- نکته قابل توجه، استفاده فراوان از منابع عامه و اهل سنت در مستندات است که فهرست منابع اهل سنت با بیش از ۷۰ مورد به همراه نام نویسنده آنها در پایان کتاب درج شده است.

۵- پاسخ به برخی از مهم ترین شبهات پیرامون قیام امام حسین (ع) نیز بر غنای کتاب افزوده و سبب آگاهی و معرفت بیشتر خواننده کتاب می گردد.

۶- علاوه بر عموم، سخنرانان منابع حسینی علیه السلام و نیز تاریخ پژوهان اسلامی از مخاطبان ویژه این کتاب هستند که می توانند بهره کافی و وافیه ببرند.

۷- آنچه که سبب اطمینان به تحلیل ها و نتیجه گیری های کتاب مزبور می شود این است که غالباً مستند به روایات معتبره حتی از منابع اهل سنت و یا به تاریخ صحیح است که آدرس آنها در پانویشت کتاب آمده است که قابل مراجعه و مطالعه است.

تجدید چاپ دو کتاب از سید قطب توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی

دفتر نشر فرهنگ اسلامی دو کتاب از سید قطب را که توسط واحد تحقیقات مرکز بررسی های اسلامی تهیه شده تجدید چاپ نموده است که در ادامه به معرفی آن ها می پردازیم:

اسلام و صلح جهانی

نویسنده: سید قطب

ترجمه و توضیحات: زین

العابدین قربانی - سید هادی

خسروشاهی

چاپ هفتم: ۱۳۹۱

قیمت: ۸۱۲۵ تومان



معرفی کتاب: کتاب اسلام و صلح جهانی نوشته ارزشمند سید قطب با ترجمه و توضیحات استاد سید هادی خسروشاهی و آیت الله زین العابدین قربانی از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شد.

این کتاب ترجمه کامل اسلام العالمی و الاسلام است که برای نخستین بار در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه و منتشر شد. سید قطب در این کتاب مباحث جالبی درباره صلح جهانی و پیمان های نظامی و مسابقات تسلیحاتی و سیاست های امپریالیسم در جهان مطرح می کند و به مقایسه اهداف و نتایج جنگ و صلح های اسلام و جنگ و صلح های دیگران می پردازد.

صلح جهانی و نظریه اسلام، ماهیت صلح در اسلام، آرامش درون و وجدان، صلح و آرامش در خانه، صلح و آرامش در جامعه، توازن اجتماعی، صلح جهان، و اکنون ... عناوین بخش های هفت گانه این کتاب هستند.

سید قطب - که مخاطبان خود در این کتاب را ملت

ها و توده های سراسر سرزمین نه استثمارگران و فئودال های داند - در پایان کتاب می نویسد: و اینک وقت آن رسیده است که ملت ها به بازیگری های خیمه شب بازان و استثمارگران خاتمه داده، سرنوشت شان را خود به دست گیرند و هر دست بازیگری را که با منافع آنها بازی می کند، قطع نمایند... و اینک تنها راه باقیمانده نجات، بازگشت به سوی پرچم واحد اسلام است و امروز تنها همین پرچم، علامت رهایی است و کلمه اسلام آخرین کلمه ای است که مسلمانان، بلکه هم انسان ها را برای آزادی و امنیت و زندگی دعوت می کند و همگی بایستی دور آن جمع شوند.

ما چه می گوئیم

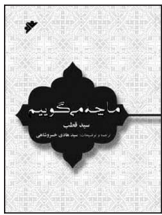
نویسنده: سید قطب

ترجمه و توضیحات: سید

هادی خسروشاهی

چاپ بیست و سوم: ۱۳۹۱

قیمت: ۳۲۰۰ تومان



معرفی کتاب: چاپ بیست و سوم کتاب "ما چه می گوئیم"

نوشته سید قطب، متفکر برجسته اسلامی تاریخ معاصر که به همت استاد سید هادی خسروشاهی ترجمه شده است، از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شد.

آنچه که در این کتاب می خوانید مجموعه ای از مقالات شهید راه اسلام، سید قطب است که سال ها پیش به مناسبت هایی در مطبوعات اسلامی چاپ قاهره منتشر گردیده و سپس در زمان حیات وی، تحت عنوان "دراسات اسلامیه" در مجموعه ای گرد آمده و به شکل کتابی منتشر شده است. استاد خسروشاهی حوالی سالهای ۱۳۴۵-۴۶ مقالات این

علامه شهیدی توانست زیبایی های بلاغی و اوزان نهج البلاغه را به فارسی برگرداند

نهج البلاغه به فارسی انتقال یابد.

وی در ادامه تصریح کرد: علامه شهیدی معتقد بود باید با زبان عصر برای نسل جوان سخن گفت و نویسنده ای که دست به نگارش آثاری برای این نسل می زند باید با شکل خطاب، مخاطب و نیاز نسل جوان آشنا باشد و زمانی که این نسل از تاریخ و تمدن کهن خود یاد می کند، باید افتخار کند.

این مدرس دانشگاه با اشاره به شخصیت علامه سیدجعفر شهیدی گفت: او به معنای واقعی عابد و زاهد بود، به اخلاقیات در عین زندگی در سیاست پایبند بود که این ویژگی از هر خصلت ظاهری بالاتر است و در حوزه های علمیه و دانشگاه طی طریق کرده و در بحران سیاست سالم به درآمده بود. این چنین است که استاد شهیدی علامه دهر می شود.

وی با اشاره به کتاب های دکتر شهیدی درباره حضرت زهرا (س)، امام سجاد و امام حسین (ع) بیان کرد: کار او پیراسته کردن متون و خارج کردن آنها از عرف بود تا نسل امروز بتواند از آن استفاده کند و بهره مند شوند؛ او برای این نسل نگران بود و دغدغه حفظ و بقای اسلام را داشت.

«محیا» مخاطبان مد را از شعارزدگی به وادی عملگرایی وارد می کند

جذاب شده به خاطر معرفی نمونه های عملی متنوع آن در شرایط زندگی فعلی ماست که چه بخواهیم و چه نخواهیم جذابیت دارد. ما هم در این مجله با همین قاعده سعی داریم بحث مد را با سبک و سیاق اسلامی آن مطرح کنیم، وی تأکید کرد: محیا به دنبال این است که سبک زندگی خاندان پیامبر (ص) را به شکلی جدی و عملی مطرح کند و فکر می کند در تاریخ انتشار مجلات مذهبی برای نخستین بار باشد که با چنین فرمی روبرو شده ایم، در واقع مخاطب این مجله با شکل و سیاق خود در حال زدن یک ژورنال مد است.

نخستین شماره از ماهنامه محیا به مدیرمسئولی محمدرضا زائری و دبیری تحریریه امیر محزونیه در ۴۸ صفحه و با قیمت ۳ هزار تومان و از سوی گروه قرآنی احیاء منتشر شده است.

بود، البته این مجله سعی کرده به دور از مباحث تئوریک معمول به این مساله به صورت نظری پردازد.

دکتر زائری افزود: ماهنامه "محیا" با قواعد و آداب کار مطبوعاتی در حوزه معرفی سبک زندگی، به بیان ویژگی های سبک زندگی ایرانی اسلامی می پردازد و موضوعاتی را معرفی می کند که مایه آزادی

عملی دارد. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم اتفاق معرفی سبک زندگی برای مخاطبان ما امری عادی و عینی است که روزانه رخ می دهد و مجله سعی دارد این اتفاق را به نوعی تازه معرفی کند.

مدیرمسئول این ماهنامه در ادامه از توجه ویژه این ماهنامه به موضوع خوراکی و پوشاک به شیوه اسلامی خبر داد و گفت: اگر سبک زندگی غربی



حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا زائری در گفتگو با مهر از انتشار نخستین ماهنامه سبک زندگی دینی با عنوان "محیا" و با مدیرمسئولی خود خبر داد و گفت: این مجله به منظور معرفی محصولاتتی که متناسب با سبک زندگی دینی تولید می شود در دست تهیه قرار گرفته است و سعی دارد نوعی سبک زندگی اسلامی را در قالب مجلاتی که سبک زندگی را معرفی می کنند، ارائه کند.

وی ادامه داد: هدف ما از انتشار این مجله، حرکت به سمت مباحث عملی در موضوع سبک زندگی دینی است. بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری در ارتباط با سبک زندگی ایرانی اسلامی، صحبت های زیادی در این باره شد، اما این حرف ها بیشتر تئوریک و شعاری